

مردم کردستان صلح و آزادی می خواهند

اما سرکوبگران خلق کرد هر روز صدها تن از مردم زحمتکش کرد را به خاک و خون می کشند

در صفحه ۳

● مردم سقز برای در امان ماندن از آتش خمپاره و بمب و توپ و راکت، خانه و کاشانه خود را رها می کنند و به شهرها و دهات اطراف می روند.



خلق قهرمان کرد، خواستار قطع جنگ و صلح عادلانه در کردستان است

● با جنگ و کشتار نمی توان مردمی را که برای کسب حقوق خود بیباک هستند، از ادامه مبارزات حق طلبانه باز داشت.

در صفحه ۱۵

در این شماره:

- سازمان نظامی، دولت مصلح و حزب توده
- ویتنام: در راه صلح، دیکراسی و سوسیالیسم
- مبارزه و مقاومت
- درس بزرگ تاریخ جنبش دانشجویی ایران
- بازده ماه اخیر فوجیست یولی دولت
- پیم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
- جنبه خلق برای آزادی ملی الحما و رودپاره یولیساریو

فئودالها بکمک مسئولین دولتی

می خواهند منطقه فارس را به خون بکشند پاسداران مستعفی از سیاه پاسداران استان فارس:

آقایان (مسئولین منطقه) تمام نیرو و انرژی خویش را صرف تفرقه اندازی و... و توطئه در مدارس می کنند. اینها همه در زمانی صورت می پذیرد که عاملین کشتار خونین روزیکشنبه سیاه شیراز (پیش از قیام) پس از بازجوئی مختصری، آزادانه به توطئه و تحریک مشغولند در صفحه ۲۲

ترکیب مجلس و آرمانهای آقای رئیس جمهور

با برگزاری مرحله دوم انتخابات و مشخصتر شدن ترکیب سیاسی مجلس چشم انداز وضعیت سیاسی جامعه با روشنی بیشتری قابل ترسیم است. در جریان انتخابات ریاست جمهوری و در نخستین روزهای ریاست جمهوری بنی صدر، ما تاکید کردیم که تشدید تضاد بنی صدر با حزب جمهوری اسلامی امر ناگزیری است. درگیری بنی صدر با حزب جمهوری اسلامی در جریان انتخابات ریاست جمهوری نشان می داد که تصدی پست ریاست جمهوری توسط بنی صدر به تشدید تضادهای درونی بلوک قدرت خواهد انجامید که در رشد خود ترکیب تازه ای از تعادل نیروهای سیاسی به وجود خواهد آورد. بنی صدر در مباحثات مجلس خبرگان نیز نشان داده بود که در نوع نگرش و شیوه های سیاسی اداره امور و حل مسائل دارای اختلافات جدی با نمایندگان حزب جمهوری اسلامی است. با انتخاب بنی صدر به ریاست جمهوری، حزب جمهوری اسلامی روز به روز بیشتر به این نتیجه رسید که "مالک الرقابی" آن در دستگاه های رهبری سیاسی با مخاطرات روبرو شده است. برای نخستین بار شخصیت رسمی اجرائی متولد می شد که بنا به سوابق خود تابعیت بی چون و چرا از روحانیت دارای نفوذ و قدرت را تا حدودی زیر علامت سؤال می برد. هرچند که موقع و نقش آیت الله خمینی در اعمال این رهبری هنوز بی چون و چرا و بلا منازع باشد. شخص بنی صدر بارها بر این نکته تاکید کرده بود که ترکیب مجلس باید تا آنجا که امکان پذیر است، بالاترین هماهنگی را با قوه مجریه که وی عالی ترین مقام آن را بر عهده دارد، داشته باشد. به این دلیل بنی صدر و دفتر هماهنگی او در انتخابات مجلس کوشش کردند لیستی ارائه دهند که ترکیب سیاسی مجلس را به سود رئیس جمهور دگرگون سازد.

خسرو روزبه نامی که همیشه در خاطر مردم مین مارزنده خواهد ماند

خسرو روزبه: جان دادن بهتر که گریختن به نامردی



یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه مصادف بود با بیستمین سالروز شهادت رفیق خسرو روزبه یکی از درخشان ترین چهره های انقلابی جنبش کمونیستی و کارگری ایران. بزرگداشت خاطره رفیق خسرو روزبه، برای همه انقلابیون، کمونیست ایران، آکنده از آموزشهای بزرگ است. بقیه در صفحه ۲

بکوشیم تا با استقرار صلح در کردستان وحدت مردم میهنمان را علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

ترکیب مجلس و ...

در عین حال بنی صدر در همان نخستین روزهای ریاست جمهوری، برای ایجاد تعادل تازمائی از نیروها به سود خود سیاستی را پیش برد تا "ترکیب نیروهای اپوزیسیون" را حتی الامکان در جهت تثبیت سیاسی خود با تغییراتی روبرو سازد. این سیاست در آنجا که به اتحاد عمل نیروهای انقلابی و دمکرات مربوط می شود، متوجه به تأخیر نداشتن "وحدت" نیروهای دمکرات با انقلابیون کمونیست است. سیاست بنی صدر بخصوص با در نظر گرفتن نفوذ و اعتبار در حال گسترش نیروهای انقلابی و دمکرات در بین توده های مردم متوجه استفاده های سیاسی "مطلوب" از یک نیروی اپوزیسیون نیرومند برای ایجاد یک تعادل سیاسی بین خود و حزب جمهوری اسلامی به سود خودیش است. دفاع بنی صدر از حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی در مقابل آن بخش از سیاستهای این حزب که به آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک نه تنها بی اعتناست بلکه در جهت سرکوب آن عمل می کند، در عین حال ناظر بر چنین ملاحظاتی هم هست.

بنی صدر در دو هفته اخیر در پیشبرد این سیاست، گام های "شجاعانه" ای به جلو برداشت. او رسماً از اتحاد نیروهای سنتی مذهبی با "روشنفکران التقاطی" دفاع کرد. اعلامیه های توضیحی که در حمایت از مسعود جوی برای انتخاب در مجلس با امضای دکتر حبیبی و مهندس سبحانی دوتن از حامیان نزدیک بنی صدر در شورای انقلاب انتشار یافت، در حقیقت همان سیاست رئیس جمهور بود. که رسماً از جانب آیت الله خمینی مورد انتقاد و سرزنش قرار گرفت. ما رئیس جمهور در سخنانی که در نخستین جلسه "سینار" انقلاب فرهنگی "ایراد کرد، به مردم گفت که می باید شجاعت اظهار عقیده و اندیشیدن مستقل را به دست آورد و از اظهار عقیده نهراسند.

امروز انتخابات پایان یافته است و حزب جمهوری اسلامی اکثریت قاطعی را در مجلس به دست آورده است. اکثریتی که بقول آیت الله بهشتی "ائتلاف" را در فرهنگ سیاسی اسلامی خود، مفهوم خوشایند و مقبولی نمی شناسد.

قابل پیش بینی است که مجلس، کانون پرخوان زای دیگری باشد که تضادهای درونی "حکومت" را شدت خواهد داد و اصطکاکهای تازه ای را با سیاست های رئیس جمهور به نمایش خواهد گذارد و این حقیقت بدون تردید رئیس جمهور را وادار خواهد کرد که در طیف نیروهای اپوزیسیون از لیبرالها گرفته تا "اپوزیسیون ضد امپریالیست" متحدینی برای خود جستجو کند و در صدد تحکیم آن توازن نیروئی برآید که به تثبیت سیاسی او یاری رساند.

در چنین شرایطی سازمان ما وظیفه دشواری را برعهده دارد. از سوئی می باید برای تحکیم و تقویت جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران، مبارزه قاطع و پیگیر خود را علیه "سرمایه داران لیبرال" که دشمنان مردم ما هستند و خواهان متوقف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی آنان هستند به پیش راند و از سوی دیگر از آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم دفاع کرده و با سیاستهای ضد دمکراتیک حزب جمهوری اسلامی مبارزه کند و تازه همه اینها را باید در راستای "ایجاد صف مستقل طبقه کارگر" و "کوشش در راه" اتحاد عمل نیروهای انقلابی و دمکرات یعنی نیروهایی که واقعا خواستار پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی هستند، به پیش راند.

ما که اعتقاد داریم سمت اصلی وارد آوردن ضربه باید متوجه "سرمایه داران لیبرال" باشد، باید به آنگونه از حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی دفاع کنیم که خط و مرزهای ما را با "سرمایه داران لیبرال" مخدوش نسازد. این سیاست با دفاع از دمکراسی انقلابی، دمکراسی بورژوازی را افشاء خواهد کرد، از نهادهای توده ای دفاع خواهد نمود و با افشای سیاست تخریب این نهادها، پاسدار حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی خواهد بود و توضیح خواهد داد که چگونه چنین سیاستی در خدمت تحکیم "اتحاد عمل نیروهای ضد امپریالیست" برای نابودی واقعی سلطه امپریالیسم و دستیابی به استقلال، کار، مسکن و آزادی است.

به این ترتیب ما مجاز خواهیم بود که از هر تریبونی (مانند میزگرد روزنامه اطلاعات) که به ما فرصت و اجازه این را می دهد که پیام خود را به گوش مردم برسانیم، در جهت سیاست های خود استفاده کنیم، علیه لیبرالها و سیاست های حزب آنان مبارزه کنیم و همه نیروهای ضد امپریالیست و دمکرات را به اتحاد عمل در مقابل امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا تشویق نمائیم. ما موظفیم تا آنجا که امکان پذیر است، مانع از اتحاد عمل نیروهایی شویم که خواهان سرکوب جنبش کمونیستی ایران هستند. همانطور که وظیفه داریم از سیاست تخریب اتحاد عمل نیروهای ضد امپریالیست و دمکرات با انقلابیون کمونیست جلوگیری، به عمل آوریم و مانع از تقویت "جبهه سرمایه داران لیبرال" و کسب اعتبار برای آنان شویم.

خسرو روزبه نامی که همیشه در خاطره مردم میهن ما زنده خواهد ماند

خسرو روزبه: جان دادن بهتر...

بر این حقیقت تاکید ورزد که امپریالیسم به کمک رژیم شاه با استفاده از خیانتها و انحرافات رهبری "حزب توده ایران" تبلیغات وسیع و پرده های را در میان توده های مردم سازمان داده تا عامل عمده و تعیین کننده شکست حکومت ملی دکتر مصدق را به نام کمونیستها تمام کند. بورژوازی و خرده بورژوازی ایران نیز بنا به ماهیت طبقاتی خود بر این تبلیغات امپریالیستها دامن زدند تا سازشکاری ها، ناپیکیری ها، اشتباهات جناح های دمکرات بورژوازی به رهبری جبهه ملی و دکتر مصدق را به فراموشی سپارند و از خاطره ها محو سازند تا سهم اساسی آنان در شکست جنبش دمکراتیک و ملی خلقهای ایران همچنان در پرده بماند.

هدف آنان، هدف همه دشمنان کمونیسم بوده و هست. سرمایه داری معاصر و مدافعان آن کوشش کردند که کمونیسم را بی اعتبار سازند و اعتماد توده های میلیونی مردم را نسبت به جنبش کمونیستی و کارگری ایران که دارای سوابق درخشان و نمونه های تابناکی همچون روزبه هاست، سلب نمایند.

آنچه که امروز به گونه ای دیگر در مورد سازمان ما، به عنوان پرچمدار جنبش کمونیستی ایران سازمان داده شده است رفیق خسرو روزبه با علم به این نکته و با پیش بینی آن به دفاع از کمونیسم برخاست و نشان داد که کمونیستها تا پای جان به خلق و آرمان طبقه کارگر وفادار خواهند ماند. ببینید او چگونه به صحنه اعدام می رود:

هدف همه دشمنان کمونیسم بوده و هست. سرمایه داری معاصر و مدافعان آن کوشش کردند که کمونیسم را بی اعتبار سازند و اعتماد توده های میلیونی مردم را نسبت به جنبش کمونیستی و کارگری ایران که دارای سوابق درخشان و نمونه های تابناکی همچون روزبه هاست، سلب نمایند. آنچه که امروز به گونه ای دیگر در مورد سازمان ما، به عنوان پرچمدار جنبش کمونیستی ایران سازمان داده شده است رفیق خسرو روزبه با علم به این نکته و با پیش بینی آن به دفاع از کمونیسم برخاست و نشان داد که کمونیستها تا پای جان به خلق و آرمان طبقه کارگر وفادار خواهند ماند. ببینید او چگونه به صحنه اعدام می رود:

"در حلقه کارزار جان دادن بهتر که گریختن به نامردی من سنگر مبارزه را ترک نکردم و اکنون نیز تمام عواقب آن را با روی گشاده تحمل می کنم" سازمان ما در عین حال در مسئولیت خود می داند که

ما در نخستین روزهای پس از قیام ضرورت تغییرات یولی و جمع آوری اسکناسهای درست را اعلام کرده بودیم!

پانزده ماه تأخیر در تغییر سیاست یولی دولت...

کراتر از نرخ رسمی به خریدار ارز می فروشد و در مقابل حواله ارز قاچاق، از او ریال دریافت می کند. خریدار ارز قاچاق، در شهرهایی که غارتگران فراری سکونت دارند، این ارز را با قیمتی بسیار گرانتر از آن که خریده است به فراریان می فروشد و از آنان ریال دریافت می کند. او سپس ریالها را به ایران می آورد و دوباره همین کار را تکرار می کند. دولت می بایستی در نخستین روزهای پس از قیام با تعیین موعدی معین (دو یا سه هفته) از همه مردم می خواست اسکناسهای هزار تومانی و پانصد تومانی را به بانکها باز گردانند و پس از آن این اسکناسها را از درجه اعتبار ساقط کند. بدین ترتیب اگر مرزهای کشور در این مدت با دقت مراقبت می شد، دست کم آن بخش از ثروت غارتگران فراری که به صورت اسکناسهای ایرانی بود، ارزش خود را از دست میداد و آنان نمی توانستند با انتقال این پولها به قاچاقچیان این ثروت را به غارتگرانی که فراری نیستند منتقل کنند. اکنون پس از ۱۵ ماه دولت اعلام کرده است که تنها اسکناسهای هزار تومانی را از دور خارج خواهد کرد.

مصادره انقلابی

زمین های زمینداران بزرگ در منطقه اهر

مبارزه روستائیان منطقه "اهر" برای مصادره انقلابی زمین های زمینداران بزرگ و خان های مرتجع که سالها حاصل دسترنج آنها را باغسارت بردمانند، روز بروز گسترش می یابد. کشاورزان روستاهای "بوز بنده" و "رگهان" و "مجید آباد" از توابع اهر و کلیبر با اتحاد و همبستگی موفق شده اند، زمین های غصب شده خود را مصادره کنند و گام های بزرگی در جهت اداره شورایی کارهایشان بردارند. در روستای "بوزبنده" کشاورزان تصمیم گرفته اند برای مصادره قطعی زمین های اربابان شورایی در ده تشکیل دهند و از این طریق مبارزات خود را به نحوی آگاهانه تر و مصمم تر به پیش برند. زحمتکشان روستای "ورگهان" کار مصادره انقلابی زمین ارباب ها و خان ها را به پایان رسانده اند. روستائیان مبارز مجید آباد نیز در فروردین ماه زمین های "سلطان سلطانی" بزرگ مالک روستا را مصادره کردند. به هنگام مصادره زمین ها، کشاورزان با مشت های گره کرده و روحیه مبارزاتی بی نظیری شعاع می دادند. "مرگ بر امریکا، مرگ بر امریکا، مرگ بر امریکا، سرمایه دار، مرگ بر ارباب" روستائیان منطقه اهر هر روز بر این امر آگاهی بیشتری می یابند که ارباب ها زمینداران بزرگ و سرمایه داران علت اصلی فقر و فلاکت آنها هستند و مبارزه با نابودی آنها در سراسر ایران می بایست ادامه داشته باشد.

بقیماز صفحه ۱۶

مردم کردستان صلح و آزادی می خواهند

اما سرکوبگران خلق کرد هر روز صدها تن از مردم زحمتکش کرد را به خاک و خون می کشند



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
در جریان مبارزه با رژیم پهلوی
در کردستان

ارتش از یادگانها شهر سنندج را به توپ و خمپاره می بندد

و مردم زحمتکش هستند که بخون می غلتند

۱۳ اردیبهشت

سنندج

می خواهند، آزادی می خواهند، کار می خواهند و این همه را دولت با نانک و فانتوم پاسخ می گوید. دولت می گوید باید کشت و کاز به راه انداخت، باید تولید کرد، باید... و به خلق کرد که تولید در آزادی آرزوی دیرینه اش است، چه می دهد؟ آراکت برای ویرانی مزارع سرسبز، خمپاره برای به آتش کشاندن خوشه های گندم و مرگ برای توده ها - قهرمانانی که بار تولید بر دوش آنهاست.

ارتش از زمین و هوا شهر سنندج را زیر آتش گرفته است

نیمی از شهر سقز به تلی از خاک تبدیل شده اما مردم قهرمان شهر همچنان مقابل این یورش وحشیانه مقاومت می کنند. آنها نیروهای ارتش را واکار به عقب نشینی کنند.

شانزده روز است که سقز مورد یورش ارتش و سپاه پاسداران قرار گرفته است. محاصره اقتصادی، کمبود آذوقه و دارو و مواد سوختی مردم را زیر فشار شدید قرار داده است. تاکنون نیمی از شهر به تلی از خاک بدل شده است. هرجا نشانی از ارتشی و پاسدار می بینی، آنجا خانه زحمتکشی است که فرو ریخته است، آنجا نشان از مقاومتی تا پای جان دارد. بر اساس آخرین اخبار، نیروهای ارتش در محاصره پیشمرگان قرار گرفته اند. تخلیه یادگانها از مهمات آغاز شده است. هلی کوپترها و توپها، شهر را از زمین و هوا زیر آتش گرفته اند...

بانه

بر اثر حملات ارتش، خسارات زیادی به شهر وارد شده است. گلوله باران شهر همچنان ادامه دارد. یادگان هموز در محاصره نیروهای پیشمرگه است. به دستور فرماندهان ارتش خانه های مردم به خمپاره بسته می شود. فانتومها در آسمان شهر به پرواز در می آیند. بگذار این دوستان و جاسوسان امپریالیسم، بیکار دیگر آنچه را که در ویلنم آزموده اند، در تل زهتر آزمایش کرده اند، در کردستان خونین نیز به آزمایشند. خلق کرد آماده است تا بیکار دیگر واقعت پیروزی نهایی خلقها را ثابت کند.

صلح و آزادی آرمان خلق کرد است. تاریخ نشان داده است که این آرمانی عادلانه است و پیروزی از آن زحمتکشان است. آینده از آن نیروهای صلح طلب و ترقیخواه است.

چهاردهم اردیبهشت مریوان

علیرغم تقویت نیروهای ارتش و سپاه پاسداران و تهاجم هلی کوپترها، رزمندگان پیشمرگه امروز موفق شده اند به آتش ارتش و پاسداران پاسخ گویند و یک خودروی داخل یادگان را منهدم کنند. امروز همچنین دو فروند هلی کوپتر کبری شهر را به رگبار بستند. هلی کوپترهای دیگری نیز برای تقویت یادگان آذوقه و مهمات حمل کرده اند. امروز شهر نسبتاً آرام است. آرامشی که مسلماً

چندان دوام نخواهد داشت و با تهاجمی دیگر از طرف نیروهای ارتش از میان خواهد رفت. فرماندهان مزدور آرام نخواهند نشست جنگ افروزی حرفه آنهاست. محاصره اقتصادی و کشتار زحمتکشان! این است پاسخ به صلح جویی، آرامش طلبی و آزادبخوایی توده های قهرمان کردستان.

بانه

یادگان شهر همچنان در محاصره نیروهای جنبش مقاومت است. بعد از ظهر امروز پیشمرگان مسلح خلق مواضع مزدوران ارتشی را زیر آتش گرفتند و تلفات و خسارات سنگینی به یادگان وارد آوردند. فرماندهان ارتش که زیر ضربات بی در پی دیروز و امروز زحمتکشان مسلح به ستوه آمده اند، دستور داده اند که شهر را دیوانوار به توپ و خمپاره ببندند. زحمتکشان قهرمان "بانه" دوش بدوش پیشمرگان مسلح خود می رزمند. بر اساس آخرین اخبار امروز یادگان شهر تسلیم مردم بانه شد. طی چند روز گذشته تعدادی از پرسنل انقلابی به مردم پیوسته بودند.

روستائیان مواد غذایی، داروئی و همه امکانات خود را بی دریغ در اختیار نیروهای پیشمرگه قرار داده اند. آنها هستند که بار تمام مصائب ناشی از جنگ را بر دوش می کشند و آنها هستند که هر روز خون دهنها تن از فرزندانشان خود را در راه رسیدن به یک زندگی سرشار از صلح، تعاون و همبستگی نثار می کنند.

تا کنون ۲۶ تن از مردم قهرمان این شهر شهید شده و بیش از صد نفر زخمی شده اند. یاد شهدای گمنام خلق، این مبارزین بی نشان سعادت و پیروزی خلقهای ایران در دل هر آن کس که قلبش برای آزادی ایران می تپد، زنده است.

سنندج

۱۲ روز از تهاجم ارتش و سپاه پاسداران به سنندج می گذرد. تاکنون صدها تن از زحمتکشان جان خود را بخاطر سیاست جنگ افروزان و دوستان و جاسوسان امپریالیسم از دست داده اند. فرماندهان مزدور ارتش با تمام قوا تلاش می کنند که روحیه مردم را متزلزل نمایند آنها را به سمت خود جلب کنند و زمینه سرکوب خونین و همه جانبه آنها را، زمینه زیرپا گذاشتن تمام دستاوردهای مبارزاتیشان را

فراهم آورند. امشب ستاد لشکر به شیوه ای عوامفریبانه آتش بس چندساعته ای را برای جمع آوری اجساد مطرح کرد.

فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی امر آتش بس را بگونه ای عنوان می کنند که گویا آغاز گر جنگ و عامل کشتار خلق رزمنده کرد، خود خلق کرد است! آنها به هر شیوه تلاش می کنند که خلق کرد و نمایندگان سیاسی آن را که همواره خواهان صلح عادلانه بوده اند، جنگ طلب و به وجود آورنده حوادث اخیر جلوه دهند و بدین ترتیب اذهان زحمتکشان دیگر نقاط ایران را در مورد اهداف انقلابی و موضع صلح طلبانه خلق کرد منحرف سازند تا شاید چند صباحی بیشتر بتوانند به اوضاع متشنج رگونی در سطح کشور دامن زنند و از این طریق زمینه را برای سوء استفاده اربابان امپریالیسم فراهم آورند اما همه مردم سراسر ایران دیر یا زود خواهند فهمید که خلق کرد جنگ طلب نیست. خلق کرد صلح می خواهد.

مهاباد

جاشهای مزدور همراه سرکوبگران ارتش و پاسدار، از هر طریق ممکن مردم را زیر فشار قرار می دهند. امروز وانت باری حامل ۲۵ کیسه آرد در راه نقده به وسیله جاشهای "معبودی" متوقف شد و از ورود آن به مهاباد جلوگیری به عمل آمد. دولت سیاست محاصره اقتصادی را همچنان ادامه می دهد. شهر از نظر خوار و بار، مواد غذایی، داروئی، سوختی و بخصوص نفت و بنزین به شدت در مضیقه است. مسئولین مملکتی که همواره در رادیو - تلویزیون هو و جنجال راه می اندازند و مدعی می شوند که کردستان را یک عده همدود افراد مسلح به ناآرامی کشانیدماند، با محاصره اقتصادی مردم کردستان، با جلوگیری از تامین وسایل اولیه معاش زحمتکشان عملاً مشقت بر فریب خود را نزد خلقها باز می کنند. زحمتکشان دیگر نقاط ایران هر روز بیش از روز پیش به حقانیت خلق کرد آگاه می شوند. دروغ و جعل و عوامفریبی تنها چند صباحی می تواند افشای جنایت های جنگ افروزان، دوستان و جاسوسان امپریالیسم و همه کسانی را که دشمن آزادی و صلح طلبی خلقها هستند به تاخیر اندازد. در نبردی که اکنون در کردستان جریان

دارد و مهاباد جزئی از آن است، به هر شکل پیروزی از آن نیروهای است که در راه صلحی دمکراتیک و عادلانه بیکار می کنند.

بناب

امروز پاسداران ۶ مرد و ۱ دختر روستایی را که برای کار در کوره پزخانه ها از بوکان زاهی تبریز شده بودند، دستگیر کردند. برای ارتش و پاسداری که به دستور فرماندهان خود، زحمتکشان را کشتار می کنند، همه دشمن اند! خواه پیشمرگه ای که برای تامین صلح عادلانه سلاح بر کف گرفته است و خواه آن کشاورز روستایی که از فشار گرسنگی و فقر خانه و کاشانه اش را رها می کند و به کوره پزخانه های تبریز روی می آورد. شروع واقعه را از زبان همین کرد زحمتکش می شنویم:

من و دخترم و ۵ نفر دیگر برای کار در کوره پز - خانه های تبریز راهی شدیم. نزدیکی های مجب شیر، پاسداران ماشین ما را متوقف کردند و پرسیدند: کجا می روید؟ گفتیم می رویم تبریز کار کنیم. آنها از ما کارت شناسایی خواستند و بعد هم ما را دستگیر کردند. آنها علیه نیروهای مبارز کردستان حرف می زدند. می گفتند: شما کردها چرا از این گروه های ضدانقلاب پشتیبانی می کنید؟ ما گفتیم برای اینکه آنها از حق ما دفاع می کنند و کمکمان می کنند که خودمستاری بگیریم اما شما که حق ما را نادیده می گیرید، تازه می خواهید جلوی فعالیت نیروهای سیاسی ما را هم بگیرید. شما به می گوئید "ضدانقلاب"! پاسداران دیگر جوابی نداشتند. بعد از چند ساعت من و دخترم و راننده را آزاد کردند که برویم کارت شناسایی با شناسنامه بقیه را بهاوریم. پاسداران به گفتند دفعه دیگر از بوکان برای کار کردن در تبریز راه نیفتید و سرجای خود بنشینید چون در آذربایجان به شما کاری نمی دهند.

سقز

مردم مبارز این شهر پس از ۱۸ شبانه روز مقاومت بیکار با بجا گذاشتن قربانیان و خسارات فراوان، با نثار خون دهنها شهید و زخمی اینک پیروز شدند. یادگان را در محاصره دارند بیشتر ساختمان های یادگان در آتش می سوزد و احتمال سقوط آن می رود. کردستان همواره صلح خواست است و خواسته های برحق خود را همواره به اشکال سالمت آمیز نغان داده، نمایندگان سیاسی خلق کرد همیشه بر حل بقیه در صفحه ۲

دروغ بسر همه شهدای خلق کرد

مردم کردستان صلح و آزادی

بعید از صفحه ۳



مسئله کردستان از راه مذاکره ناکند و رزیده اند و همواره گفته اند که در شرایطی که مبین ما درگیر مبارزه ای حاد با امپریالیسم است، دامن زدن به جنگ داخلی تنها آب به آسیاب دشمنان مردم می ریزد.

سندج:

علیرغم آتش بس ۶ ساعته برای جمع آوری اجساد، به دستور فرماندهان ارتش همچنان حمله ها به سوی شهر شلیک می شوند. یک اتومبیل سواری که خانواده ای را به یکی از روستاهای اطراف می برد، از طرف مزدوران مستقر در ساختمان رادیو - تلویزیون به رگبار مسلسل بسته می شود که در جریان آن یک زن جان خود را از دست می دهد. مهاجمین امروز سعی کردند به سمت مواضع پیشمرگان پیشروی کنند لیکن با مقاومت دلیرانه آنها روبرو شده و با به جا گذاشتن دو کشته مجبور به عقب نشینی شدند.

امروز مردم به خیابانها ریختند و با شور مبارزاتی به دفن اجساد شهدای خود که در جریان درگیری های چند روز اخیر در شهر انباشته شده بودند، پرداختند. آوای سرودهای انقلابی همه جا طنین افکن بود. مردم با تظاهرات در محلات، نفرت و انزجار خود را از سیاستهای جنگ افروزان دولت و ارتش اعلام داشتند. شهر سرشار از روحیه همبستگی زحمتکشان است. زنان و مردان سالخورده به سنگر نیروهای پیشمرگه می روند و با آنها به گرمی به صحبت می نشینند. کلام ساده و صمیمانه آنها، امیدشان به فردا و آینده نوید بخش پیروزی است. باید بود و صحنه های همبستگی و قهرمانی توده ها، این سازندگان اصلی تاریخ را دید.

بوکان

امروز آوارگان سقز که در بوکان مستقر شده اند، در یک گردهمایی در مسجد بازار بوکان بکار دیگر مواضع صلح طلبانه و عادلانه خود را بر راستای تحقق خواستهای اساسی شان اعلام نمودند. آنها در قطعه خود صن تاکید بر اهمیت تعیین - کننده مبارزه با دشمن اصلی امپریالیسم امریکا، ادامه جنگ تحملی در کردستان را مشخصا در جهت ضایع امپریالیسم و دوستان و حامیان داخلی آن اعلام کردند. آوارگان که اکنون بر اثر همس سیاستهای جنگ طلبانه مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده اند، بیکار دیگر با صراحت اعلام نمودند که خلق کرد خواهان صلح است و بر آن است تا مسائل را از طریق سیاسی حل کند. مردم شرکت کننده

در میتینگ با اعلام این مواضع آتاهای انقلابی خود را بیش از پیش به نمایش گذاشتند و مشت محکمی بر دهان همه آنان که یا عوامفریبی قصد دارند سیاستهای جنگ طلبانه و نفاق افکنانه خود را به خلق کرد و نیروهای سیاسی آن نسبت دهند، فرود آوردند.

شاهین دژ

امروز جاش معروف بوکان عبدالله عباسی به همراهی پاسداران در حدود ۲۵ نفر

فرماندهان ارتش امروز این مردم را که خواستی جز صلح و آزادی ندارند، بمباران می کنند.



بانہ

از مسافران شاهین دژ را به گروگان گرفته و خواستار آزادی دو پاسدار می شوند. آنها اعلام می کنند در صورت آزاد شدن آن دو تن همه گروگان ها را خواهند کشت. این دو پاسدار در اسارت هیچکدام از نیروهای سیاسی خلق کرد نیستند و اهالی روستای "کانی الله سیده" نسبت به سرنوشت مسافران به گروگان گرفته شده سخت نگرانند.

۱۶ اردیبهشت سردشت

یک ماشین ریزه ارتشی در اثر برخورد با مین منفجر شد که در این حادثه سه ارتشی کشته و عده ای زخمی شدند. بعد از ظهر نیز بر اثر انفجار مین یک ارتشی کشته و سه نفر زخمی شدند. نظامیان که در هر حرکت تلفاتی برای می گذارند، دیوانوار همه چیز را به آتش می بندند. گلوله باران یک لندرو غیر نظامی توسط پادگان شهر نمونه ای از این اقدامات جنون آمیز است. در این جریان ۲ تن از مسافران به شهادت رسیدند و ۴ نفر زخمی شدند.

سندج:

امروز نیز مثل روزهای دیگر شهر آماج خمپاره های ارتش است که تاکنون منجر به ویرانی تعدادی از خانه ها شده است. روستای "ناهر" بر اثر شلیک خمپاره و توپ ویران شده است. تعدادی از سربازان و پرسنل انقلابی ارتش که این فجایع را دیده اند، سلاح خود را بر زمین گذاشته و به سمت مردم آمده اند.

اکنون بیشتر از دو هفته است که شهر تحت شدیدترین محاصره اقتصادی

ارتش بعد از این شکست به اعمال جنون آمیز تلفاتی جویانه دست زده و روستای "قانی بورد" و "سی جان" در اطراف بانہ را زیر آتش خمپاره و توپ گرفته است که در نتیجه این حملات سیمانه عده ای از اهالی زحمتکش روستای "سیجان" شهید و چند نفر زخمی می شوند. ارتش به قصد نابودی کردستان حرکت می کند و هرچه در اثر مقاومت خلق کرد و پیشمرگانش ضربه پذیرتر می شود، به همان میزان بر شدت اعمال خرابکارانه و ویران کنند خود می افزاید.

۱۷ اردیبهشت

سندج: محاصره اقتصادی مردم سقز/بیکاری بر زحمتکشان

وارد می کند. امکان مداوای مجروحین وجود ندارد. وضعیت به گونه ای است که زحمتکشان به احتمال زیاد ناچار خواهند شد در روز به یک وعده غذایی ناکافی بسنده کنند.

گرسنگی، بی آبی، فقدان ابتدائی ترین امکانات درمانی و در کنار این همه شب و روز باران گلوله و خمپاره، این است رهاورد جنگ افروزان برای خلق ستمدیده ای که خواستار صلح عادلانه است. سپاه پاسداران از یک سو مردم را در ازای دریافت مواد غذایی به تسلیم و یا خروج از شهر تشویق می کنند و از سوی دیگر به هر وسیله و شیوه ممکن آنها را مورد تهاجم قرار می دهند. دو روز قبل حدود ۳۵ نفر از اهالی یک روستای نزدیک "دهگلان" بدون دلیل توسط سپاه پاسداران به گروگان گرفته شده اند و تاکنون از سرنوشت آنها اطلاعی به دست نیامده است. طبق اطلاعات رسیده افسری که دستور داشته شهر را توسط هلی کوپتر به راکت ببندد، از اجرای وظیفه ای که فرماندهان ضد خلقی ارتش بر عهده اش نهاده بودند، سر باز زده و هلی کوپتر خود را در اطراف فرودگان سندج رها کرده است.

سندج شهر خون و حماسه شهر گلوله و گرسنگی، شهر مردم صلح طلب اینک بیش از هر زمان دیگر به حمایت آزادبخواهان و صلح طلبان دیگر نقاط نیازمند است. افشای جنایات ارتش، رساندن اخبار مقاومت قهرمانانه مردم به گوش زحمتکشان سراسر ایران، بسیج قوا برای تهیه و ارسال کمکهای غذایی و دارویی، اینک وظیفه ای است که بر دوش همه نیروهای انقلابی و ترغیبخواه قرار دارد.

سقز:

پادگان شهر هنوز در محاصره پیشمرگان است. تقویت آن جز از طریق هوا امکان پذیر نیست. امروز یک هواپیمای سی ۱۳۰، مقدار آذوقه و مهمات به وسیله چتر به پادگان رسانده است. نیروهای پیشمرگه با آتش سلاح خود هلی کوپترهایی را که به امر تقویت پادگان مشغولند زیر آتش می گیرند. از طرف مقابل نیز شهر به خمپاره بسته می شود و ویرانی هایی به بار می آورد. نیروهای پیشمرگه با حمله به نظامیان در "اشک" صدمات زیادی به آنها وارد کرده و موفق می شوند مقداری از مهمات آنها را مصادره کنند.

پاوه

درگیری ها در این شهر چند روز است که ادامه دارد. نظام مدارس شهر اکنون تعطیل است. دانش آموزان مبارز شهر دوشادوش خلق خود مبارزه می کنند.

مریوان:

در جریان درگیری ها تا کنون تعداد زیادی از نیروهای ارتش و پاسدار توسط پیشمرگان دستگیر شده و عده ای از آنها نیز به مردم پیوسته اند. از جمله روزهای ۱۱ تا ۱۵ اردیبهشت در مریوان جنبش مقاومت در جریان محاصره پادگان موفق می شوند ۶۸ نفر از ارتشی ها را که اکثر درجه دار هستند دستگیر کنند. در همین رابطه ۲۰ تن از جاسوسهای مزدور نیز دستگیر شده اند. سرگرد افشین یکی از فرماندهان پادگان مورد اصابت گلوله پیشمرگان قرار گرفته و زخمی شده است. تا به امروز

نیروهای پیشمرگه عملاً به پیروی هوایی اجازه نداده است که به فضای مریوان نفوذ کند. روحیه نظامیان بسیار متزلزل است. ۴۰ نفر عمدتاً از درجه داران تشکیل می شوند، به جنبش مقاومت خلق کرد پیوسته اند و هم اکنون در کنار پیشمرگان علیه فرماندهان ارتش و سیاستهای جنگ طلبانه آنها مبارزه می کنند.

بوکان

امروز از طرف سازمان ما میتینگی در میدان عقیام برگزار شد. حدود ۴۰۰۰ نفر از مردم شهر در این گردهمایی شرکت داشتند. یکی از مسئولین سازمان در منطقه طی سخنرانی خود جنگ اخیر و سایر مسائل خلق کرد را مورد بررسی قرار داد.

رفیق سخنران پس از بررسی نقش ارزنده مبارزات خلق کرد در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران و تاکید بر پیوند مبارزات خلقها با جنبش طبقه کارگر، سیاستهای جنگ طلبانه دولت را بشدت مورد حمله قرار داد و مواضع اصولی سازمان را در این زمینه تشریح نمود. او در قسمتی از سخنان خود گفت: "سازمان ما سیاستهای جنگ افروزان را محکوم کرده و تا آن حد که توان دارد، مبارز شهر دوشادوش خلق خود مبارزه می کنند."

سختی های خود تا مین صلح برانگیز تحقق خواستهای اساسی خلق کرد را در شرایط کنونی گام بزرگی در جهت تدارک مراحل آتی مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک زحمتکشان سراسر ایران اعلام کرد و در این رابطه سیاست آن دسته از نیروهای سیاسی را که راه حل مسائل کردستان را در حاکم و فقط جنگ می بینند، مورد بررسی و انتقاد قرار داد. این گردهمایی با بخش یکی از سرودهای انقلابی خلق کرد خانه بافت و توده های شرکت کننده سرود خوانان محل میتینگ را ترک کردند. بعید از صفحه ۱۳

نامه یکی از افسران سابق حزب توده به نشریه کار

سازمان نظامی، دولت مصدق و حزب توده

رسته	تعداد کل	افسران شاغل در تهران
هوائی	۳۲	۲۹
توپخانه	۲۵	۷
سوار	۲۶	۹
پیاده	۸۰	۱۷
مخابرات	۱۷	۲
مهندس و فنی	۴۱	۲۵
افسرستاد	۶	-
ژاندارمری	۳۱	۲۳
شهربانی	۴۷	۲۴
پزشک	۲۷	۱۵
دانشجوی پزشکی	۳۶	۳۱
دانشجوی افسری	۵۲	۵۲
و هوائی		
درجه داران	۱۶	۹

از ۲۴۳ نفر در تهران: ۴۲۹

دانشجو	۵۲
پزشک و دانشجوی پزشکی	۴۶
افسر مهندس و فنی	۲۵
افسر خلبان	۲۹
افسر شهربانی	۲۴
افسر ژاندارمری	۲۳
افسر پیاده	۱۷
افسر سوار	۹
افسر توپخانه	۷

"ار این عده افسران توده‌ای در تهران که پس از حذف پزشک و دانشجو، ۱۴۵ نفر می‌شدند، عده زیادی در مشاغل قضائی، دادرسی ارتش، در مشاغل اداری، در مراکز اطلاعات، یعنی در مشاغل غیر عملیاتی نظامی قرار داشتند... در نتیجه تهیه و تدارک سلاح خیلی به کندی و در مقیاس بسیار کوچک عملی گردید و آنچه حزب ما در ۲۸ مرداد در اختیار داشت، منحصر می‌شد به چند تفنگ، ده دوازده سلاح کمری، مقداری نارنجک و ۱۵۰ بازوگای ضدتانک... آنچه من در باره تصمیمات هیئت اجراییه در زمینه لزوم تدارک مقاومت مسلحانه در برابر کودتای احتمالی به خاطر دارم، این است که... مسئله اساسی برای رهبری حزب عبارت بود از ایجاد و تحکیم جبهه نیرومندی از همه نیروهای ضدامپریالیستی و در درجه اول از نیروهای وفادار به دکتر مصدق و نیروهای حزب توده ایران... نظر حزب ما این بود که تنها در صورت به وجود آمدن چنین جبهه‌ای می‌توان همه نیروهای ضدامپریالیستی خلق را در برابر توطئه‌های روز افزون دشمنان تجهیز کرد... مسلح شدن مخفیانه حزب توده ایران یا هر سازمان مخفی دیگر، در صورتی که گوشه‌ای از فعالیتشان در این زمینه ناشی می‌شد، می‌توانست به صورت عاملی شدیداً منفی در جریان تلاش حزب بمنظور تشکیل جبهه متحد اثر گذارد"

تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران نیازمند بررسی‌های عینی و علمی جدیدی است. این بررسی‌ها نه تنها بمنظور اخذ تجارب و آموزشهای تاریخی ضرورت دارد، بلکه تحلیل علمی اشکال مختلف اپورتونیسیم و رویزیونیسم در جنبش کمونیستی ایران گام بلندی در اشاعه و تجهیز ما به مارکسیسم-لنینیسم و دستیابی به حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است. در این میان تحلیل بدور از تنگ‌نظری‌ها و پیش‌داوری‌ها از "حزب توده" اهمیت ویژه‌ای دارد. روشن است که ارائه چنین تحلیلی نیاز به اطلاعات و فاکت‌های تاریخی و مشخص فراوانی دارد. نامه‌ای که در زیر می‌خوانید بخش کوچکی از اطلاعاتی را که برای چنین تحلیلی ضروری است، در اختیار می‌گذارد. ما از همه نیروها می‌خواهیم که اطلاعات و تحلیل‌های خود را در زمینه "بررسی تاریخی و علمی جنبش کارگری و کمونیستی ایران" در اختیار نشریه "کار" قرار دهند.

"برای رهبری حزب که همه در همان محل کمیته ایالتی تهران جمع شده بودند... مسلم بود که هرگونه عمل جداگانه حزب، در مقابل چنین نیروی مسلطی، بدون حتی همکاری اسمی دکتر مصدق، تنها با یک قتل عام پایان خواهد یافت. بر این پایه بود که رهبری گسترش یافته حزب ابتدا با تردید بعضی از رفقا، ولی بالاخره به اتفاق آراء تصمیم گرفت که سازمان حزبی را از زیر اولین ضربه‌های خردکننده کودتاچیان مسلط شده و خونخوار درآورد. کمی بعد از ابلاغ این تصمیم و متفرق شدن رفقای مسئول به ما خبر رسید که در خانه دکتر مصدق مبارزه درگیر شده است و مدافعان خانه مصدق دفاع می‌کنند. همراه با این خبر این شایعه هم به ما رسید که واحدهای نظامی هوادار دکتر مصدق وارد عمل شده و به مقابله با کودتاچیان پرداخته‌اند. ما فوراً تصمیم گرفتیم که باید همه نیروها را برای حمایت از مدافعان خانه دکتر مصدق و به یاری واحدهای هوادار دکتر مصدق تجهیز کنیم. ولی تا ما این خبر را به شبکه حزبی برسانیم... خبر رسید که مقاومت خانه مصدق پایان یافته..."

"افسانه نیرومندی سازمان افسری حزب توده ایران گفته می‌شود که حزب توده ایران سازمان افسری نیرومندی که در آن ۶۰۰ افسر، حاضر به جنگ" عضویت داشته و در جریان کودتای ۲۸ مرداد از آن بهره‌گیری نکرده است. این ادعا از واقعیت فرسنگها به دور است. به دلائل زیر:

- ۱- تعداد اعضای سازمان افسری حزب توده ایران در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ جمعا ۴۶۶ نفر بوده است که ۴۲۹ نفر آنها بازداشت و محکوم و ۳۷ نفر آنها فراری شدند.
- ۲- از این افراد بخش مهمی دانشجوی دانشکده افسری و هوائی، پزشک و مهندس و قاضی و کارمند اداری بوده‌اند.
- در صورت زیرین تقسیم این افسران به دسته‌ها و وضع پیش آنها در سراسر کشور دیده می‌شود:

من یک عضو سابق سازمان نظامی حزب توده هستم و بمناسبت سرنوشتی که حزب توده در اثر اشتباهات اساسی در لحظات مهم تاریخی به آن دچار شد و بدنبال آن سازمان نظامی لورفت، اکثر اظهارنظرهای موافق و مخالف حزب توده را می‌خوانم و می‌بینم که بعد از گذشت ۲۶ سال یعنی یک نسل کامل، هنوز رهبران حزب توده برای فرار از مسئولیت بزرگی که در آن روزهای سرنوشت ساز ۲۸ مرداد به عهده دارند، تاریخ را تحریف می‌کنند. ناگزیر حقایقی را صبی بر کذب ادعای حضرات بیان می‌کنم باشد تا نسل جوان که از تاریخ گذشته دوران قبل از ۲۸ مرداد کمتر اطلاع دارد با اطلاع بیشتری راه را از چاه تشخیص دهد. برای توضیح مطالب خود ابتدا قسمتی از نوشته‌های نامه مردم و مجله دنیا را نقل می‌نمایم، سپس به شرح یکدیگر مطالب می‌پردازم.

در نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران مورخ ۱۴ فروردین ۱۳۵۹ سرمقاله مفصلی به قلم نورالدین کیانوری دبیر اول حزب توده ایران تحت عنوان "حزب توده ایران و دکتر مصدق" که در جریان کودتای خائنانه ۲۸ مرداد مسئول تشکیلات و عضو هیئت اجراییه حزب توده بوده، چنین آمده است:

"روز ۲۳ مرداد بعد از ظهر، باز هم سرهنگ مبشری به منزل من آمد و خبر آورد که برای شب، قرار قطعی حمله لشکر گارد گذاشته شده است و ضمناً اسمی برخی افسران بالارتنه‌ای را که گرداننده کودتا بودند، با خود آورد... من در همان ساعت باز از راه اندرونی با دکتر مصدق ارتباط گرفتم و به او گفتم: "آقای دکتر، توطئه کودتا قطعی است. کودتاچیان کنار هم جا گرفته‌اند. نام کودتاگران چنین است: سرتیپ دفتری که شما به او اعتماد دارید، با آنان ارتباط دارد. ما اطمینان داریم که دوستان شما در ارتش که در پستهای فرماندهی هستند، عرضه و لیاقت هیچ اقدامی را ندارند. ما دوستان با ارزش و فداکاری در میان افسران داریم که پستهای حساس فرماندهی ندارند. ما حاضریم این افراد را به شخص شما معرفی کنیم. از آنها برای دفاع خانه خودتان و برای پستهای مهم فرماندهی استفاده کنید. تنها از این راه می‌شود جلوی خطر را گرفت..."

در مجموعه این شرایط بود که صبح روز ۲۸ مرداد، ما از حرکت اوباش و فواحش در شهر با خبر شدیم... ما باز هم با مصدق تماس گرفتیم... و از او خواستیم که دستور دهد به نیروهای توده‌ای اسلحه داده شود تا مهاجمان را سرکوب کنیم... در حدود ساعت ۲ بعد از ظهر به ما خبر رسید که واحدهای منظم ارتش به هواداری از کودتاچیان در گوشه‌های شهر وارد عمل شده‌اند ما که هر لحظه منتظر بودیم که نیروهای وفادار به دکتر مصدق در ارتش وارد عمل شوند، باز هم با دکتر مصدق تماس گرفتیم. اینبار او به ما گفت که: "آقا، همه به من خیانت کرده‌اند... شما اگر کاری از دستتان برمیآید، بکنید..."

بقیه در صفحه ۶

پیروزی مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

سازمان نظامی، دولت مصدق و ...

بقیماز صفحه ۵

مثل بت می پرستیدندش و حاضر بودند به فرمان او به خیابانها بریزند) خلاصه کلام ۲۸۰ نفر افسر با واحدهایشان به اضافه سازمان درجه داران می توانستند در صورت لزوم چنانچه حزب توده به فرض محال از عهده اوباش و فواحش و کودتاچیان بر نمی آمد، وارد عمل شوند و کار کودتاچیان را یکسره کنند.

بعلاوه فرق ۳۰ تیر و ۲۸ مرداد در این بود که در ۳۰ تیر مردم به مقابله با یک حکومت ظاهرا قانونی (قوام السلطنه) برخاسته بودند (کسه قاعدتا ارتش موظف به دفاع از آن بود) و شاه هم در کشور حضور داشت و هنوز بکلی بی اعتبار نشده بود. درحالیکه در ۲۸ مرداد شاه فراری شده و روحیه طرفدارانش بکلی درهم شکسته بود و حزب به دفاع از یک حکومت قانونی وارد عمل می شد و مقابله با کودتاچیان را از جنبه قانونی و روانی آسانتر می کرد.

۳- در مورد کمبود سلاح، باز هم یک دروغ دیگر! قبول اینکه ۲۸۰ نفر افسر عضو سازمان نظامی در تهران بوده اند به معنی این است که اکثر آنها حداقل یک طپانچه کمری داشته اند و ذکر اینکه حزب فقط ۱۰ - ۱۲ سلاح کمری، تعدادی نارنجک و ۱۵۰ بازوگای ضدتانک داشت، دست کم گرفتن این نیروی سازمان یافته و حاضر به عمل است. بعلاوه افسرانی که دارای واحد نظامی بودند، اسلحه خانه ها در اختیارشان بود و می توانستند به موقع اسلحه مورد لزوم را تامین نمایند.

۴- آقای کیانوری! شما مدعی هستید که مانع اساسی در برابر تدارک وسائل فنی و حداقل سلاح جبهه متحد خلق بود که چنانچه مسلح شدن حزب توده رو می شد، به تشکیل جبهه آسیب می رسانید!

د- خروس از همین جا پیداست! شما بزرگترین سازمان نظامی مخفی را در ارتش تشکیل داده اید و دستگاه حاکم کم و بیش از وجود آن مطلع بود (لورفتن رفقا مرزوان، هنریار، پوریا) تلفن خودتان به دکتر مصدق که در ارتش افسرانی دارید، آیا به جبهه متحد خلق لطمه نمی زد، لکن تدارک سلاح توسط یک حزب سیاسی مستقل مدعی رهبری طبقه کارگر که همیشه در حرف راه قهرآمیز را یکی از طرق دستیابی به حکومت می داند، به جبهه متحد لطمه وارد می کرد؟ جبهه های که هیچگاه نه در دوره حکومت مصدق، نه در دوره ۲۵ ساله اختناق محمدرضا شاهی و نه امروز تشکیل نشده و حتی حزب جمهوری اسلامی هم با همه خدماتی که حزب توده در تئوری و عمل و راهنمایی های زیرکانه در مقابله با نیروهای چپ به آن می کند و در هر حرکتی، حتی جشن اول ماه مه، به جای همکاری در دموکراتراسیون یکپارچه کارگران، صف خود را از سایر نیروهای چپ جدا نموده و بدنبال دعوت حزب جمهوری اسلامی برای اقامه نماز به میدان امام حسین می رود، مورد تعرض و توهین فالانژهای دست پرورده آن حزب قرار می گیرد و اجبارا قبل از رسیدن به محل میتینگ متفرق می شود.

۵- آقای کیانوری! مطلب اینجاست که برای تارو مار کردن طلایه کودتاچیان (اوباش و فواحش) اصولا نیازی به دخالت سازمان نظامی

ایران مرتکب شده و خلق ستم دیده ایران بعد از گذشت ۲۶ سال هنوز هم چوب آن بی کفایتی را می خورند، آنقدر بی انصافی کرده اید که به سبب تحقیر این سازمان، اعتراض آن عده از افسرانی را که هنوز هم به راه شما اعتقاد دارند، برانگیخته اید و من عمیقا به آنهایی که با خلوص نیت و بدون فرصت طلبی به آن سازمان رو آورده اند و آن را قبله آمال خود می دانند احترام می گذارم و امیدوار و منتظرم که حوادث سیاسی چشم و گوش آنها را باز کند و راه را از چاه تشخیص دهند. و اما پاسخ من به دست کم گرفتن قدرت سازمان نظامی (*):

الف - بحث بر سر روز ۲۸ مرداد می باشد نه یکسال بعد که سازمان نظامی لورفت یعنی شهریور ۳۳ بنا بر این حذف ۳۷ نفر از رفقای افسر که علی رغم دستور صریح شخص شما دایر به اینکه (خود را به قسمتها معرفی کنید زیرا هرچه تعداد دستگیرشدگان زیادتر باشد، جرم سبکتر میشود) بنا به ابتکار شخصی و به علت بی اعتمادی از دستورالعمل دستگاه رهبری حزب سربچی کردند تا پس از مدتی اختفاء و در بدری از کشور خارج و جان سالم بدر بردند. این جابجا کردن تاریخ و کم کردن تعداد افسران، یک تقلب بی سرو صدا برای انحراف نسل جوان است. بنا بر این تعداد افسران سازمان نظامی در تهران بالغ بر ۲۸۰ نفر

می شدند. اگر بقول شما در پایتخت که در هر انقلابی نقش تعیین کننده دارد، ۲۸۰ نفر افسر و تعدادی درجه دار که آنها را بکلی از قلم انداخته اید، و در اثر مقاومت قهرمانانه سرگرد شهید جعفر و کیلی که رابط آنها بود، لو نرفت - در صورت لزوم، تحت شعار دفاع از حکومت قانونی دکتر مصدق وارد عمل می شد و عده های اوباش و فواحش را سرکوب می کرد، به کاسه کوزه کی برمی خورد؟! مگر در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ سرهنگ ژاندارمری، پیرمان عضو سازمان نظامی در میدان توپخانه روی تانک نرفت و علی رغم مأموریت خود برای سرکوب جنبش مردم ضمن سخنرانی مردم را به مقاومت تشویق نمود؟

ج - آقای کیانوری! سازمان نظامی را در روز ۲۸ مرداد دست کم نگریید. طبق آمار خود شما ۲۹ افسر خلبان (که فرودگاهها در اختیارشان بود و در هنگ شکاری به اتفاق افسران طرفدار مصدق به جای سرگرد خاتم خلبان فراری شاه برای واحد خود فرمانده تعیین کرده بودند) ۱۴ افسر شهربانی (که تا آنجا که اطلاع دارم سروان مدنی و سروان درمشیان روسای دو کلانتری بودند و بقیه در شهربانی و کارآگاهی و اطلاعات شهربانی پستهای حساسی داشتند)

۲۳ افسر ژاندارمری
۱۷ افسر پیاده (که دونفر از آنها ستوان قربان نژاد و ایروانی با واحدهای تانک تحت فرماندهی خود در شهر سرگردان بودند و مرتب به مسئول خود تلفن می کردند و کسب تکلیف می نمودند و جواب منفی می شنیدند. ستوان شجاعیان هم با واحد خود از خانه دکتر مصدق دفاع می کرد)

۹ افسر سوار
۷ افسر توپخانه
۵۲ دانشجوی دانشکده افسری (به فرماندهی سرهنگ پهلوان که همه دانشجویان غیر حزبی هم

این بود ارزیابی رهبری حزب توده از قدرت سازمان نظامی، در آنجائی که لازم است شکست کودتای خائنانه ۲۸ مرداد و بی عملی آن حزب توجیه و ناگزیر قلمداد گردد. لکن در جائی که بحث بر سر قدرت حزب توده در آستانه کودتای ۲۸ مرداد و پاسخ به چریکهای فدائی خلق به اینک ما تمام اشکال مبارزه را اعم از علنی و غیر علنی، مسالمت آمیز و قهرآمیز در نظر داریم، در مجله دنیا ارگان سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی مورخ مهرماه ۱۳۵۸ صفحه ۱۰۱ چنین می گوید:

"تاریخ حزب ما نشان می دهد که ما همواره برای استفاده از همه اشکال مبارزه آمادگی می دیده ایم. کار ثمربخش در درون ارتش و بنیان گذاری سازمان افسران توده ای که (در تمام دوران پیش از کودتای ۲۸ مرداد) یکی از بزرگترین سازمان های از نوع خود در مقیاس جهانی بود، نمونه ای از چنین آمادگی است"

رهبری حزب توده نمی تواند ادعا کند که نظریات فوق مقالاتی است که افراد بی مسئولیتی نوشته اند و نیایستی بعنوان نظر کمیته مرکزی تلقی گردد زیرا قسمت اول نظریات دبیر اول کمیته مرکزی است و قسمت اخیر نقطه نظر سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی است.

حال با در نظر گرفته ظرفیت محدود صفحات نشریه به پاسخ یک یک مطالب نقل قول های فوق که انباشته از تضاد است، می پردازیم:

۱- آقای کیانوری! آنجا که به دکتر مصدق پیشنهاد می کنید که لیست افسران طرفدار حزب توده را برای تصدی پستهای مهم فرماندهی در اختیارش بگذارید به اجازه کی و به چه حق وجود افسران توده ای را در ارتش افشاء کردید و حتی حاضر شدید اسامی عده ای از آنها را در اختیار دکتر مصدق که نخست وزیر یک حکومت سرمایه داری است، قرار دهید؟ اگر مصدق ظاهرا پیشنهاد شما را می پذیرفت و لیست تقدیمی شما را به جوخه اعدام می سپرد، جواب مردم ایران را چه می دادید؟ بعلاوه هرکس که کمترین مطالعه ای از مارکسیسم - لنینیسم داشته باشد و لااقل مختصر کتاب "دولت و انقلاب" اثر لنین را خوانده باشد و به مفهوم دولت و ابزار سرکوب آن که عمده ترین نیروهای انتظامی است آشنا باشد، می داند که این بورژوازی به هیچ وجه ابزار اصلی حاکمیتش را در اختیار دشمن طبقاتی خود که شما مدعی رهبری حزب آن هستید، قرار نخواهد داد. بنا بر این برای آنکه شما را از این مخمصه نجات داده باشم، قبول می کنم که این گفتار تلفنی شما، جعلیاتی است که بعد از مرگ دکتر مصدق چاپ کرده اید.

و هم چنین آنجا که روز ۲۸ مرداد هیئت مدیره جمعیت ضد استعمار به اتفاق محمدرضا قدوه نزد مصدق می روند و درخواست توزیع اسلحه بین نیروهای توده ای می کنند، نشانه بی اطلاعی و عدم درک شما از مبارزه طبقاتی است.

آقای کیانوری! اسلحه را از دشمن طبقاتی گدائی نمی کنند. چنین برداشتی از حکومت، برداشتی کاملا غیر مارکسیستی است.

۲- راجع به افسانه نیرومندی سازمان افسری، تحقیر و بی ارزش نشان دادن این سازمان، برای توجیه خیانتی که رهبری حزب نسبت به مردم

بقیه در صفحه ۱۱

مردم مبین ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

مبارزه و مقاومت

درس بزرگ تاریخ جنبش دانشجویی ایران

قسمت آخر

نشان دادند، از جمله وحشی‌گری‌های کم نظیر این دستگاه‌های ضد مردمی بود. محیط دانشگاه‌ها علیرغم تمام تلاش‌های سرکوبگرانه رژیم، تبدیل به محیطی برای رشد سیاسی و انقلابی جوانان میهن ما شده بود و دانشجویان در رویارویی با

پلیس ماهیت جنایتکارانه رژیم وابسته را بیشتر و عمیق‌تر درک می‌کردند. هر قدر که بر اعمال خشونت‌بار ساواک و پلیس در دانشگاه‌ها افزوده می‌شد، به همان میزان دانشجویان بیشتری به لزوم مبارزه، تشکل و وحدت برای درهم کوبیدن

چنین دستگاه‌های سرکوب‌کننده‌ای پی می‌بردند. دستگیری دانشجویان در این سالها و درسی که آنان در شکنجه‌گاه‌ها و زندان‌های رژیم از انقلابیون می‌گرفتند، عامل موثری بود در رشد و شکوفائی سیاسی و مبارزاتی دانشجویان.

دانشجویانی که در پی مبارزات خود به زندان‌ها روانه می‌شدند با چهره پلیس سرمایه‌داری بیشتر آشنا می‌شدند و فرصتی به دست می‌آوردند که با افکار انقلابی‌اشناشی بیشتری پیدا کنند، دانش طبقاتیشان افزون گردد و فن سازماندهی مبارزات خود را از امثال "جزنی‌ها" که در زندان‌های

شاه درس مبارزه و مقاومت را به نیروهای انقلابی می‌آموختند، فرا گیرند و با دریائی از دانش و تجربه انقلابی، با دلی آکنده از کینه طبقاتی و با شوری سرشار از عشق به خلق و ایمان به پیروزی پرولتاریا به آغوش مکتب‌خانه‌های خود بازگردند و راه‌آورد مسافرت پربار خود را صمیمانه در جهت ارتقاء و سازماندهی مبارزات دانشجویان و توده‌ها بکار گیرند.

در این سالها تا اوج‌گیری مبارزات پر شکوه خلق، جنبش دانشجویی هر روز گام‌های موفقیت‌آمیزتری در جهت پیوند با مبارزات توده‌ها برمی‌داشت. تب و تاب فزاینده مبارزه در دانشگاه‌ها خبر از آینده‌ای روشن می‌داد. آینده‌ای که رژیم دیکتاتوری شاه را به زباله‌دانی تاریخ بیاندازد و آینده‌ای که امپریالیسم در مقابل اراده خلق به زانو درآید. دانشگاه‌ها انعکاسی از مبارزات توده‌ها را در خود داشتند.

هر چه مبارزه توده‌ها گسترش می‌یافت، آتش مبارزات دانشجویی پرله‌پس‌تر و فروزان‌تر می‌شد و چون دانشگاه‌ها بستر رشد آگاهی طبقاتی نیز بودند، نمود مبارزات مردم را به شکل بارزتر و برجسته‌تری در دانشگاه‌ها می‌دیدیم.

شروع مبارزات مردم "خارج از محدوده" علیه ستمگری‌های رژیم شاه، اولین نشانه‌های آشکار شده مبارزات توده‌ها و اولین زبانه‌های آتش بود که زیر خاکستر نهان گشته بود. جنبش دانشجویی با بروز این اولین نشانه‌ها، موقعیت را با هوشیاری انقلابی خود درک کرد و خود را برای سازماندهی این مبارزات آماده نمود.

دانشجویان انقلابی اینبار روانه گودنشین‌ها، حلبی‌آبادها و "خارج از محدوده" تهران شدند و در تداوم فعالیت‌های انقلابی خود دستاوردهای پرازشی از تجارب سازماندهی مبارزات توده‌ها اندوختند. دانشگاه‌ها با آغاز مبارزات گسترده و بی‌امان توده‌ها در سال ۵۴ بدل به سنگری از

بقیه در صفحه ۱۱

به سیاست تهدید و فریب توده‌ها شد، دهقانان را بعنوان شرکت در جشن کشاورزی روانه شهرهای دانشگاهی کردند و آنها را بقول خود در مقابل دانشجویان قرار دادند اما زمره‌هایی که در بین توده‌ها شروع شد بخوبی خشم مردم را از چنین سیاستی نشان داد: عدم استقبال توده‌ها از این بسیج فرمایشی رژیم را واداشت که نیروهای سرکوب خود، ساواک و پلیس، را روانه دانشگاه‌ها کند. دستگاه جهنمی ساواک و پلیس ضدخلقی رژیم از این سال تا چندی بعد بعنوان "گارد ویژه" در دانشگاه‌ها مستقر شد و کوچک‌ترین حرکت دانشجویی زیر ضرب پلیس قرار گرفت. در این سالها رژیم علاوه بر سیاست سرکوب، سیاست تطمیع دانشجویان را نیز در برنامه خود قرار داد. امکانات رفاهی برای آن دسته از

"گارد ویژه" رژیم شاه برای این در دانشگاهها مستقر شده بود تا کوچکترین حرکت دانشجویی را زیر کنترل و ضرب قرار دهد.

دانشجویانی که خود را می‌فروختند و یا گرایش به مبارزه با رژیم نداشتند، فراهم شد. تلاش برای رواج فساد و انحطاط در بین دانشجویان از طریق برنامه‌های مختلف به اجرا درآمد اما هیچکدام از این شیوه‌ها نتوانست جنبش دانشجویی را به بیراهه کشد.

در سال ۴۹ سازمان ما که متشکل از روشنفکران انقلابی برخاسته از دل دانشجویان انقلابی بود، موجودیت خود را اعلام کرد و بسیاری از دانشجویان انقلابی که صادقانه به آرمان طبقه کارگر و به خلق ستمدیده خود عشق می‌ورزیدند، به سازمان پیوستند. آمار شهدای سازمان و سازمان مجاهدین صدها دانشجوی انقلابی را که به دست دزخیان شهید گشتند، به نمایش می‌گذارد و سند گویایی است بر جانبازی‌ها، مبارزات و مقاومت‌های دلاورانه دانشجویان انقلابی ما.

از سال ۴۹ به بعد، جنبش دانشجویی شکوفائی هر چه بیشتری یافت. سازمان‌های متشکل دانشجویی به وجود آمد که با رهنمودهای انقلابی خود توانست تشکیلات دانشجویی را در تمام زمینه‌ها ارتقاء بخشد. این رشد خود را در مبارزات خونین دانشجویان در سال ۵۱ به خوبی نشان داد. دانشجویان در سال ۵۱ در تداوم مبارزات خود علیه استقرار گارد در دانشگاه‌ها دست به مبارزات وسیعی زدند. آنان از سال ۴۹ به بعد که ساواک و پلیس بعنوان گارد دانشگاه در دانشکده‌ها مستقر و محیط دانشگاه‌ها را تبدیل به محیطی نظامی و خشونت‌بار کرده بودند، علیه گارد مبارزه بی‌امانی را شروع کردند. این مبارزات در سال ۵۱ به اوج خود رسید و بار دیگر دانشگاه‌ها صحنه خونین مبارزات بین دانشجویان انقلابی و پلیس ضدخلقی شد. در این درگیری‌ها تعداد کثیری از دانشجویان زخمی و تعدادی به شهادت رسیدند. سبیتی که ساواک و پلیس در این سال در سرکوب جنبش دانشجویی از خود

سازمان‌های دانشجویی در سازماندهی اعتصابات اتوبوسرانی نقش عمده‌ای داشتند و شرکت وسیع دانش‌آموزان در این مبارزه نقش نیروهای جوان انقلابی را در این سال هر چه برجسته‌تر نشان داد. رژیم در اثر مبارزه گسترده و پیگیر توده‌ها ناچار به عقب نشینی شد و توده‌ها باردیگر قدرت خود را آزمودند. آنها در سال ۴۸ همچنین دیدند که چگونه جوانان و نوجوانان دانشگاهی و دانش‌آموزی پرشور و پرتلاطم مبارزاتشان را سازماندهی کردند و چگونه تا عقب‌نشینی رژیم در این مورد لحظه‌ای آرام نگرفتند. توده‌های ما از این نمونه فعالیت‌ها و جانبازی‌ها از جوانان خود بسیار دیده‌اند و به همین دلیل هم هست که به راحتی نمی‌پذیرند آنان "خرابکارند" و یا به قول حاکمیت فعلی "ضدانقلابی‌اند". زحمتکشان ما می‌دانند هر جا و هر زمان که مبارزه‌ای علیه رژیم وابسته به امپریالیسم داشته‌اند، دانشجویان با شور و دانش انقلابی خود در کنارشان به جانبازی برخاسته‌اند. آنها می‌دانند زمانی که مبارزات میلیون‌ها مردم به خون کشیده و سرکوب می‌شود، دانشجویان انقلابی به دلیل داشتن دانش و آگاهی طبقاتی همچنان به مبارزه خود علیه دیکتاتوری و امپریالیسم ادامه می‌دادند. توده‌های ما خاطرات پرشکوهی از مبارزات خونین و دلاورانه جوانان دانشجویی خود دارند و به همین دلیل هم هست که سیاست‌های سرکوبگرانه حاکمیت کونی در مورد دانشگاه‌ها از نظر توده‌ها نه تنها محکوم است، بلکه آنان را به یاد سیاست‌های وحشیانه سرکوب رژیم شاه می‌اندازد. نفرت آنان را نسبت به دروغ‌گوئی‌های حزب جمهوری اسلامی و کشتارهای وحشیانه دانشجویان به دست سپاه پاسداران و باندهای سیاه برمی‌انگیزد. در سال ۴۹ هنگامی که یک دسته از سناتورهای امریکائی برای بررسی زمینه‌های سرمایه‌گذاری در

زحمتکشان می‌دانند هر جا و هر زمان که مبارزه‌ای علیه رژیم وابسته به امپریالیسم داشته‌اند، دانشجویان با شور و دانش انقلابی خود در کنارشان به جانبازی برخاسته‌اند.

میهن ما به تهران آمدند، باز دانشجویان انقلابی فریاد اعتراض خود را علیه سلطه امپریالیسم بلند کردند و بعنوان اعتراض به برخی از موسسات امریکائی حمله بردند، در این سال دانشجویان ابتدا دست به تظاهرات وسیع در داخل دانشگاه‌ها زدند و بعد تظاهرات را از صحن دانشگاه‌ها به محوطه خارج از دانشگاه‌ها و تا حدودی به خیابان‌های شهر گشاندند. شعار دانشجویان در این سال "کارگر، برزگر، اتحاد، اتحاد" بود. توده‌های ما این بار از زبان جوانان انقلابی خود شعاری را می‌شنیدند که خود در جریان مبارزات خود می‌رفتند که آنرا متحقق کنند و متحقق این شعار را در دوران یکساله انقلاب و قیام شکوهمند ۲۲ بهمن دیدیم. در این سال رژیم جهت سرکوب دانشجویان متوسل

گرامی باد حماسه شهادت دلاوران دانشجویان رزمنده و انقلابی دانشگاههای ایران

بمناسبت پنجمین سالگرد فتح سایکون (شهر هوشی مین) و آزادی کامل ویتنام (قسمت آخر)

ویتنام: در راه صلح، دمکراسی و سوسیالیسم

جنگ تجاوزکارانه امپریالیسم در ویتنام و اثرات آن

تجاوز سی ساله امپریالیست‌ها به خاک ویتنام نتایج مخرب و وحشتناکی برای مردم این کشور به بار آورد. بمباران ویتنام شمالی که چندین سال بطور مستمر انجام یافت ویرانی‌های فراوانی به وجود آورد. بطور نمونه مراکز دوازده استان و بیش از پنجاه بخش کاملاً از بین رفتند. تمام خطوط راه‌آهن و پل‌ها غیر قابل استفاده شده بودند و سیستم حمل و نقل دریائی و رودخانه‌ای از هم پاشیده شده بود. در روستاها ۱۶۰۰ شبکه آبیاری آسیب دیده بودند و صدها هزار هکتار زمین‌های مزروعی غیر قابل استفاده به جای مانده بود. ۳۰۰۰ مدرسه و ۳۵۰ بیمارستان بکلی ویران شده بودند. علاوه بر همه اینها اکثر شهرها به وسیله بمب دچار ویرانی شده بودند.

در جنوب وضع به مراتب بدتر بود. از ۱۵۰۰۰ دهکده ۹۰۰۰ تا در اثر بمباران با خاک یکسان گردیده بود. تعداد معلولین و زخمی‌های جنگ به یک میلیون نفر می‌رسید. ۸۰۰۰۰۰ کودک بی سرپرست برجای مانده بود. رواج فحشاء به وسیله آمریکا نیم میلیون فاحشه که به انواع امراض مبتلا بودند برجای گذاشت. ده میلیون نفر سکنه دهات بمباران شده آواره گردیده بودند. در روی زمین‌ها و مزارع اقصی نقاط کشور دست کم صدوپنجاه هزار تن بمب منفجر نشده باقیمانده بود که هر روز ضایعات جدیدی ایجاد می‌کرد. رژیم سایگون چهار میلیون نفر بی سواد، یک میلیون بیوه، نیم میلیون متاد به مواد مخدر و هزاران دزد و ولگرد برجای گذاشته بود. سیاست‌های وابسته این رژیم ۹/۵ میلیون نفر را بطور دائمی بیکار کرده بود و در آستانه پیروزی اوضاع از اینها هم بسیار وخیم‌تر شده بود. رژیم تئو سالانه ۲ بیلیون دلار کمکهای اقتصادی (برنج و ...) از آمریکا دریافت می‌کرد و با سقوط این رژیم میلیونها نفر در عرض یک شب کار خود را از دست دادند. (بیش از یک میلیون پرسنل ارتش، یک میلیون گارمند دولتی و ...) صدها هزار تاجر کوچک که وابسته به رژیم تئو بودند با احتکار و انواع دغلکاری‌ها قیمت اجناس را بالا برده و بحران را تشدید می‌کردند. علاوه بر همه اینها چندین میلیون هکتار شالیزار، باغ و جنگل در اثر بمباران و مواد شیمیائی از بین رفته بودند و امراضی چون مالاریا، تیفوئید و وبا خطری دائمی ایجاد کرده بود.

انقلاب می‌بایست با همه این مشکلات و صدها مسئله دیگر دست و پنجه نرم کرده و جامعه ویتنام را از درون اینهمه خرابی‌ها به سوی آینده و ساختمان سوسیالیسم هدایت نماید. خلق ویتنام تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام که در رهبری نبردهای سالیان آیدیده شده بود مصمم بود که با تمام این مشکلات مقابله کرده و با در هم شکستن آنها راه خود را به سوی آینده، به سوی صلح،

دمکراسی و سوسیالیسم به پیش برد.

نظری به اقدامات یکساله انقلاب در جنوب

یکی از مهمترین وظایف انقلاب تجدید تربیت سربازان، پلیس و کارگزاران رژیم سابق بود. پیشبرد این وظیفه که کنترل و تربیت بیش از یک میلیون نفر (منجمله ۴۰ هزار افسر) را در بر می‌گرفت بدون کمک و همکاری همه‌جانبه جمعیت خصوصاً سازمان‌های زنان، جوانان و ... امکان‌پذیر نبود. بازگردانیدن این افراد به خانواده‌هایشان و الحاق آنان به زندگی عادی شهروندان پس از سالها خدمت در دستگاه

حل شده بود) و تنها در عرض یک سال نیم میلیون نفر خواندن و نوشتن آموختند. همچنین کلاس‌های فوق‌العاده برای بزرگسالان ایجاد گردید و در سال ۷۷-۷۶، ۱۰ هزار موسسه آموزشی چهار میلیون دانش‌آموز را در جنوب در خود جای دادند. تمام مدارس خصوصی ملی شدند.

در زمینه بهداشت کار ترک اعتیاد صدها هزار معتاد به سرعت پیش رفت و مبارزه با سایر امراض به دستاوردهای بزرگی نائل آمد. جنبش وسیعی برای ایجاد مناطق اقتصادی جدید سراسر کشور را در بر گرفت. به هر



خانواده قطعه‌ای زمین داده می‌شد و با کمک دولت کتوپراتیوهای (تعاونی‌ها) کشاورزی شروع به شکل‌گیری نمودند. در عرض یک سال و نیم بیش از نیم میلیون نفر از سایگون به مناطق جدید اقتصادی پیوستند. در منطقه دانانگ که بسیاری از اهالی آن در سال ۷۵ از ترس جنگ فرار کرده و آواره بودند مجدداً اسکان داده شدند و در شهرهای دیگر نیز اسکان جمعیت بسرعت پیش رفت.

روشنفکران انقلابی و دانش‌آموزان شهرهای مختلف دست‌یاری به سوی دهقانان دراز کرده و به کمک آنان شتافتند. جنوب ویتنام که خود منطقه برنج خیزی بود تحت رژیم تئو سالانه مقدار زیادی برنج از آمریکا وارد می‌کرد. اما برنامه‌های انقلاب به زودی این نیاز را برطرف نمود. آمار زیر این مسئله را اندکی روشن‌تر می‌کند. در ظرف یک سال ۱/۸ میلیون متر مکعب شبکه‌های آبیاری و ساختمان‌های مربوط به کشاورزی در اطراف سایگون ایجاد گردید. ۵۰۰۰ کیلومتر کانال آبی ساخته و یا تجدید ساختمان شد. همچنین ۹۵۰ کیلومتر رودخانه و دریاچه مصنوعی ساخته و یا تجدید ساختمان شده ۱۵۰۰۰ کانال و سدهای کوچک ساخته شد. ۲۰ هزار چاه ایجاد شده است و ...

دولت انقلابی در زمینه نابود ساختن طبقه بورژوازی وابسته بقیه در صفحه ۹

نواستعماری طبعا با مشکلات بسیاری مواجه بود. انقلاب بسیاری از آنها را پس از رسیدگی به پرونده‌هایشان بدون قید و شرط آزاد نمود و تنها افسران و تعدادی عوامل بالای رژیم سابق را برای تجدید تربیت و پاکسازی در اردوگاه‌هایی مستقر ساخت. به این ترتیب آنها پس از طی دوره‌های تجدید تربیت سه ماهه، شش ماهه و ... و آزمایش‌های لازمه به جامعه بازگردانیده شدند.

انقلاب برای نابود کردن فرهنگ استعماری فیلم‌های مبتذل و سکسی، پوست‌های تبلیغاتی و مجلات منحرف را جمع‌آوری نمود و مردم همکاری وسیعی در این زمینه انجام می‌دادند. مراکز "احیای حیثیت زنان" برای آموزش فاحشه‌ها و مراکز متعدد ترک اعتیاد، کمک به ناتوان‌ها، یتیم‌ها و ... در سراسر جنوب برپا شد و کوشش همه‌جانبه‌ای برای تربیت مجدد فاحشه‌ها، معتادین و ... به کار گرفته شد. فرهنگ انقلابی در سراسر کشور گسترش یافت. فیلم‌ها، اشعار، سرودها و آهنگ‌های انقلابی مورد استقبال وسیع خلق قرار می‌گرفت و جوانان اشتیاق بی‌سابقه‌ای نسبت به آن نشان می‌دادند.

با استفاده از روش‌های آزمایش شده انقلابی، انقلاب بلافاصله به مسئله بی‌سوادی در جنوب پرداخت (در شمال بی‌سوادی تا سال ۱۹۵۸

امریکا تو خالی است ویتنام گواهی است

ویتنام: در راه صلح، دمکراسی و ...

بقیه از صفحه ۸

طرحریزی نموده و سراسر کشور تحت رهبری حزب برای تحقق این برنامه بسیج و سازماندهی شدند. در سال ۱۹۷۸ برای مثال تولید برق ۸۸۰۰۰ کیلووات ساعت آنتراسیت ۱/۹ میلیون تن، آپاتیت ۶۱۰۰۰ تن، منسوجات ۶۶ میلیون متر و ... افزایش یافته است. علیرغم شرایط نامناسب آب و هوا در سال ۷۷ و ۷۸ (سیل‌های بی‌سابقه و توفان‌ها) موفقیت‌های قابل توجهی در کشاورزی به دست آمد. تا آخر سال ۷۸ جمع زمین‌های مزروعی کشور به ۷/۶ میلیون هکتار رسید. مساحتی بیش از ۱/۶ میلیون هکتار زیر پوشش احیای زمین و آب رسانی قرار گرفت.

جمهوری سوسیالیستی ویتنام در پنج سال گذشته در جهت تحقق اهداف انقلابی خود و ساختمان سوسیالیسم گام‌های وسیعی برداشته و در این راه از همبستگی و کمک‌های بی‌دریغ خلق‌های سراسر جهان، طبقه کارگر و کشورهای سوسیالیستی برخوردار بوده است. اکنون پنج سال بعد از پیروزی انقلاب در جنوب، ویتنام پیشرو اول صلح، ترقی و سوسیالیسم در جنوب شرقی آسیاست.

مقایسه دستاوردهای انقلاب ویتنام با برنامه‌هایی که در یک سال اخیر در کشور ما انجام گرفته خود مبین این واقعیت است که انقلاب تحت رهبری طبقه کارگر و حزب انقلابی آن چگونه می‌تواند تمام نیروهای خلق را برای ساختمان جامعه و پیروزی کامل در جهت محور سرمایه‌داری و نظام استثمار انسان از انسان بسیج کرده و موفق شود. اما نیروهای غیر پرولتری به خاطر سازشکاری با نظام سرمایه‌داری قادر نخواهند بود قدم‌های اساسی در جهت نابودی سلطه امپریالیسم برداشته و دیر یا زود انقلاب را از مسیر پیروزی کامل منحرف خواهند کرد.

پیروزی‌های انقلاب ویتنام چه در جنگ آزادیبخش و چه در مرحله ساختمان سوسیالیسم تنها و تنها مرهون رهبری انقلابی حزب کمونیست ویتنام، خط مشی مستقل و انقلابی آن در پیاده کردن مارکسیسم-لنینیسم در شرایط مشخص جامعه ویتنام و برپاداشتن انترناسیونالیسم پرولتری است. حزب با رهبری درست استراتژیکی و تاکتیکی توانست در هر مرحله نیروهای خلق را به خوبی رهبری کرده و به پیروزی‌های بی‌دریغ برساند و اکنون در مسیر ساختمان سوسیالیسم نیز با درک عمیق مارکسیسم-لنینیسم جامعه ویتنام را به سوی پیشرفت و ترقی رهبری می‌نماید.

در پنجمین سالگرد فتح سایگون (هوشی مین) و پیروزی کامل انقلاب ویتنام ما خود را در شادی خلق دلیر ویتنام سهم دانسته و مبارزه خود را در اتحاد و همبستگی با تمام نیروهای انقلابی جهان برای رسیدن به سوسیالیسم و کمونیسم و نابودی کامل سرمایه‌داری و امپریالیسم ادامه خواهیم داد. ما نیز خواهیم کوشید تا به این وصیت رفیق هوشی مین که می‌گفت:

«بیچ چیز عزیزتر از استقلال و آزادی نیست»

درجهت رسیدن به آزادی و استقلال میهنمان از تجربیات انقلاب ویتنام به‌موزیم. زنده باد جمهوری سوسیالیستی ویتنام

"جمهوری سوسیالیستی ویتنام" را به خود می‌گیرد و هانوی را پایتخت کشور قرار داد. مجلس ملی همچنین یک کمیسیون برای تدوین قانون اساسی جدید کشور تعیین نمود و ویتنام از جولای ۱۹۷۶ رسماً دارای یک دولت واحد گردید.

تشکیل کنگره چهارم حزب کمونیست ویتنام

در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۶ چهارمین کنگره حزب کمونیست ویتنام تشکیل گردید و پس از استماع گزارش کمیته مرکزی حزب در ۲۰ دسامبر به اتفاق آراء آن را تأیید نموده و استراتژی مرحله جدید توسعه و تکامل انقلاب اجتماعی را تعیین نمود. این استراتژی وظیفه: "تبدیل ویتنام به یک کشور سوسیالیستی با اقتصاد صنعتی - کشاورزی مدرن، فرهنگ، علم و تکنولوژی پیشرفته، نیروی دفاعی مستقل و یک



زندگی سعادتبخش را مشخص می‌کند. کنگره خط ساختمان سوسیالیسم در ویتنام را این چنین ترسیم می‌نمود:

"حفظ قاطعانه دیکتاتوری پرولتاریا، ترغیب کارگران به سیادت جمعی، پیشبرد همزمان سه انقلاب، انقلاب در روابط تولیدی، انقلاب علمی و تکنیکی و انقلاب ایدئولوژیک و فرهنگی با محور قرار دادن انقلاب علمی و تکنیکی. پیشبرد صنعتی کردن سوسیالیستی که وظیفه مرکزی مرحله گذار به سوسیالیسم می‌باشد. ساختمان سیستم سیادت جمعی سوسیالیستی، ساختمان تولید سنگین سوسیالیستی، توسعه فرهنگ جدید، ساختن انسان‌های جدید سوسیالیست از بین بردن رژیم استثمار انسان از انسان، از بین بردن فقر و عقب ماندگی، برپا داشتن بی‌وقفه دقت نظر، تحکیم دائمی دفاع ملی، حفظ امنیت سیاسی و نظم اجتماعی، ساختمان موفقیت‌آمیز سرزمین مادری ویتنام به یک کشور صلحدوست، مستقل متحد و سوسیالیست، کمک فعالانه به مبارزه خلق‌های جهان برای صلح، استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم.

کنگره برنامه پنجساله (۸۰-۱۹۷۶) را

و از بین بردن رشوه‌خواری‌ها و ... اقدامات قاطع و سریعی انجام داد. تمام بانک‌ها فوراً ملی شدند. تجارت خارجی در کنترل و انحصار کامل دولت در آمد. تجارت خصوصی برنج (یکی از مواد اساسی مورد احتیاج مردم) لغو شد و بدین ترتیب قیمت برنج در کشور تثبیت شده تحت کنترل دولت در آمد. دولت برنج دهقانانی را نیز که کشت خصوصی داشتند، خود می‌خرد و برنج را با قیمت ارزان در اختیار مردم قرار می‌داد. دولت به خانواده‌هایی که محتاج بودند برنج مجانی می‌داد. سازمان زنان نقش بسیار مهمی را در تقسیم عادلانه مواد غذایی به عهده گرفت و این امر را به‌خوبی انجام می‌داد. به زودی پس از انقلاب بیش از ۷۰۰۰ کارخانه بخصوص در قسمت صنایع سبک آغاز به کار نمودند. صنایع کوچک دستی رشد یافت و سهم قابل ملاحظه‌ای از تولید ناخالص جنوب را تشکیل داد که حتی برای صادرات هم استفاده می‌شد.

در شمال:

شمال از سالها قبل در جهت ساختمان سوسیالیسم برنامه ریزی کرده و در شرایط سخت جنگ ساختمان سوسیالیسم را به پیش رانده بود و در عین حال پشت جبهه مستحکمی را برای انقلاب در جنوب ایجاد کرده بود. در طول جنگ خرابی‌های زیادی در شمال ایجاد شده بود. تمام مراکز صنعتی بمباران شده و خسارت دیده بود. پل‌های جاده‌ها و راه‌آهن همگی ویران شده بودند. بعضی شهرها و بسیاری دهات با خاک یکسان شده و از بین رفته بودند. اما انقلاب ساختمان سوسیالیسم را همچنان به پیش رانده بود بعنوان نمونه بین سال ۱۹۶۵ تا ۷۵ یعنی ده سال تعداد بیمارستان‌ها در شمال از ۲۵۲ به ۴۴۲ و تحت‌خواب‌های آنها از ۶۹/۷۰۰ به ۱۰۹/۹۰۰ عدد رسیده بود. در عرض یکسال هزاران مدرسه بیمارستان و شیرخوارگاه که در اثر بمباران نابود شده بودند دوباره ساخته شدند.

در زمینه کشاورزی، سیستم کشاورزی هیدرولیکی بیش از ۵۰۰ هزار هکتار زمین را فراگرفت و به سرعت در جهت آبیاری هیدرولیکی در سایر مناطق اقدام گردید. در مدت ۱۰ سال تولید الکتریسیته به ۲/۴ برابر تولید کودهای شیمیائی به ۲/۵ برابر و کارهای مهندسی به ۲/۵ برابر رسید. چندین مرکز عظیم صنعتی جدید ساخته شده و در یک کلام تجدید ساختمان خرابی‌های جنگ و تحکیم سوسیالیسم در شمال با سرعت بی‌سابقه‌ای پیش رفت.

در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۷۶ یعنی اندکی کمتر از یک سال بعد از فتح سایگون انتخابات سراسری برای تشکیل مجلس ملی جهت انجام وحدت کامل شمال و جنوب انجام گرفت. بیش از ۹۰٪ جمعیت در انتخابات شرکت کرده و ۴۹۲ نماینده از سراسر کشور از گرایش‌های مختلف سیاسی و مذهبی مختلف، از اقشار و طبقات گوناگون جامعه، انتخاب شدند. مجلس ملی در ۲۴ ژوئن تا ۳ جولای تشکیل گردید.

مجلس ملی اعلام کرد ویتنام متحد شده نام

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

راهپیمائی اول ماه مه در بجنورد



شد که ضمن تاکید بر نقش ویژه طبقه کارگر در گسترش و پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌های مردم، از مبارزات کارگران و زحمتکشان برای احقاق حقوق اقتصادی و سیاسی‌شان پشتیبانی کرده و پیمان همبستگی‌شان را با کارگران و زحمتکشان سراسر جهان تجدید کردند.

در سرکرداشت رور جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) به دعوت گروهی از کارگران بجنورد، راهپیمائی باشکوهی برگزار شد که در این راهپیمائی در حدود ۲۵۰۰ نفر شرکت داشتند. گروه‌ها و انصار مختلف مردم، تعمیر - کاران، تاکسی‌رانان، فضاپان، جوکاران، دامداران حر و دانش‌آموزان و معلمان در صفوفی منظم با شعارها و سرودها و پلاکاردهائی که بیانگر ضرورت پیشبرد قاطعانه مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مهین ما و همچنین تجلی اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان بود، این روز بزرگ را گرامی داشتند. در پایان این راهپیمائی قطعنامه‌ای قرائت

نقش امپریالیسم فرانسه در غارت منابع نفتی

امپریالیسم فرانسه نه تنها در رشته نفت بلکه در رشته ماشین‌سازی، صنایع اتمی، راه و ساختمان، راه‌آهن، تلویزیون، مترو و... با قراردادهای امپریالیستی در غارت و استثمار مردم میهن ما نقش بسیار فعالی داشته است.

عنوان بهره‌میلغ فوق به شرکت "اراپ" الزامی شد. نه تنها این قرار داد بلکه اکثر قراردادهای استعماری نفتی با کشورهای امپریالیستی هنوز به قوت خود باقی است. خاطر نشان می‌سازیم که شرکت فرانسوی "توتال" که از اعضای کنسرسیوم بین‌المللی نفت است، همپا با دیگر شرکتهای امپریالیستی نزدیک به ۳۰ سال به غارت و چپاول منابع نفتی ما مشغول بوده است. امپریالیسم فرانسه نه تنها در رشته نفت، بلکه در رشته ماشین‌سازی، صنایع اتمی، راه و ساختمان، راه‌آهن، تلویزیون و مترو و... با قراردادهای امپریالیستی در غارت و استثمار مردم میهن ما، نقش بسیار فعالی داشته است. امپریالیسم فرانسه هم اکنون حاضر نیست که لغو قرارداد انرژی اتمی را بپذیرد، در نتیجه یک میلیارد دلار از ثروت ما را ضبط نموده است. اینها گوشه‌ای از عملکرد امپریالیسم فرانسه در سالهای گذشته و حال در میهن ما می‌باشد. کشورهای امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به خوبی نشان دادند که نه تنها در غارت منابع و استثمار مردم میهن ما با هم متحدند بلکه در تحریم اقتصادی و فشار سیاسی و نظامی بر خلق قهرمان و سایر خلقهای جهان سیاست واحدی را پیش گرفته و خواهند گرفت.

حدود ۳۵۰۰۰ بشکه نفت از میدان نفتی "سیری" واقع در خلیج فارس را به یغما می‌برند. مبلغ ۳/۵۵۰/۰۰۰ دلار نیز بابت اولین قسط وام توسعه‌ای با بهره‌ای به مراتب بیشتر از دیگر وام‌های امپریالیستی در تیرماه ۱۳۵۸ یعنی پنج ماه بعد از قیام، به شرکت فرانسوی "اراپ" پرداخت شده‌است که خود نشان می‌دهد این قرارداد امپریالیستی به همان صورتی که توسط رژیم گذشته امضاء شده‌بود، اجرا می‌گردد. قرارداد دوم که در سال ۱۹۶۹ منعقد شده بود، در منطقه کنگان در استان ساحلی به منبع عظیم گاز طبیعی دست یافت. شرکت فرانسوی می‌بایستی برنامه لازم برای توسعه میدان گاز و بهره‌برداری از آن را ارائه داده و منابع مالی آن را فراهم می‌نمود. لیکن شرکت "اراپ" اعلام عدم آمادگی نمود و مطابق آنچه در همان قرارداد به امضاء رسیده بود، می‌بایستی بدون دریافت دیناری قرارداد را فسخ می‌نمودند. ولی با توصیه دربار، قرارداد جداگانه‌ای برای فسخ قرارداد اصلی در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۶ به امضاء رسید که به موجب آن شرکت ملی نفت مکلف گردید مبلغ ۱۲۶/۸۰۰/۰۰۰ دلار مخارج پرداختی توسط شرکت فرانسوی "اراپ" را در اقساط مساوی ۶ ماهه از تاریخ ۳۱ نوامبر ۱۹۸۱ به آنها برگرداند. علاوه بر آن مبلغ ۲۷/۲۰۰/۰۰۰ دلار به

دو قرارداد "سومیزان" و "اگوکو" به ترتیب در سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۹ با شرکت فرانسوی "اراپ" برای اکتشاف و استخراج و صدور نفت از حوزه‌های نفتی معینی در خلیج فارس و سواحل آن منعقد گردید. مفاد هر دو قرارداد امپریالیستی، با تفاوتی در جزئیات ماهیت آنها را نشان می‌دهد. این قراردادها هنوز به قوت خود باقی است. طبق همین قرارداد شرکت ملی نفت می‌بایست برای مخارج توسعه‌ای که به صورت وام به حساب شرکت ملی نفت منظور شده‌است، بهره‌ای معادل نرخ بهره بانک فرانسه به اضافه ۲/۵٪ به شرکت فرانسوی "اراپ" بپردازد و ۴۵٪ نفت تولید شده با تحفیف قابل توجه که طبق فرمول خاصی در قرارداد کنعانده شده، محاسبه گردیده و در اختیار شرکت فرانسوی قرار می‌گیرد و علاوه بر آن شرکت ملی نفت موظف است که نسبت به بقیه صادرات نفت خام ۲٪ قیمت به عنوان حق‌العمل فروش به شرکت فرانسوی "اراپ" بپردازد. طبق همین قرارداد دولت ایران مکلف است درآمد حاصل از فروش نفت را صرف خرید کالاهای فرانسوی در بازار فرانسه بکند. از دو قرارداد منعقد شده با شرکت فرانسوی "اراپ" آنکه در سال ۱۹۶۶ امضاء شد، به نفت رسیده و هم اکنون بطور متوسط روزانه

کارگران پیمانی آبیک

توطئه‌های کارفرما را نقش بر آب کردند

اثر پیگیری و اتحادشان توانستند دستور استخدام را از وزارت کار بگیرند اما کارفرما بازم از استخدام آنها سر باز زد تا اینکه پس از چندبار اعتراض و بی‌نتیجه ماندن اعتراضات، کارگران در روز شنبه ۳۰ فروردین مهندس سپهر را به گروگان گرفته و در طبقه دوم ساختمان آرمایشگاه متحصص می‌شوند. کارگران پس از یک شب تحصن موفق می‌شوند کارفرما را به قبول خواسته‌هایشان وادار نمایند. در جریان این تحصن و گروگان‌گیری، عده‌ای از کارگران با آتاکه به تحریک کارفرما علیه کارگران پیمانی دست به اعتراض می‌زنند، زیرا عوامل کارفرما به برخی از کارگران رسمی گفته بودند که حناحد کارگران پیمانی رسمی سید، سودبزه و سایر مرامای کارگران رسمی کاهنی خواهد یافت ولی کارگران منحصص ضمن اینکه خواسته‌هایشان را برای کارگران تحریک شده توضیح می‌دهند، به افشای نقشه‌های غافل‌افکنانه کارفرما در دامن زدن به اختلاف بین کارگران رسمی و پیمانی می‌پردازند و باریک توطئه‌های کارفرما را نقش بر آب می‌کنند.

کارگران پیمانی کارخان سمان آبیک (فروین) مدتها است که خواستار رسمی شدن (پرداخت جو مسکن، حق حواروبار، حق اولاد، اضافه حقوق و...) هستند ولی در مقابل، کارفرما با توسل به حندهای کوباکون مانع از اسخدام رسمی آنها شده است. از حمله کارشکنی‌های کارفرما یکی این بود که به هنگام شروع کار، کارگران را به سام کارخانه بلکه به نام یکی از معاطعه‌کاران استخدام کرده‌بود تا عدا محبور شود آنها را به استخدام رسمی درآورد و قبل از آنکه مدت کار این کارگران به ۱۰۰ روز برسد با اجزاج آنها از زیر بار هرگونه تعهدی (از نظر اسخدام رسمی و پرداخت حقوق و مرامای طبق قانون کار) سانه خالی کند که با مقاومت کارگران پیمانی موحد شد. کارفرما پس از آنکه در توطئه اجزاج آنها سکت خورد به حمله دیگری موسل شد. بدین ترتیب که قبل از آنکه مدت کار کارگران به ۱۰۰ روز برسد، پس از گذشت ۳ ماه کارگران پیمانی را به یک مرخصی اجباری ۱۵ روزه می‌فرستد. در مدت سه ماه دوم کار، کارگران به وزارت کار فزویین شکایت کردند و در

استقلال - کار - مسکن - آزادی



مبارزه و مقاومت...

بقیه از صفحه ۷

مبارزات زحمتکشان شد و دانشجویان و دانشآموزان پایبای کارگران و زحمتکشان بیخاسته ما حماسهها آفریدند. ارتش سرکوبگر لجام گسیخته و بیمناک از چنین مبارزه‌ای رگبار مسلسل‌هایش را بی‌وقفه به روی مردم انقلابی گشود و چوبیاری از خون رزمندگان در خیابان‌های شهرها به راه افتاد. دیگر برای رژیم کارخانه، مزرعه، بازار، کوچه و خیابان، مسجد و دانشگاه فرقی نداشت. کابینه‌ها یکی بعد از دیگری عوض می‌شد، کابینه از هاری روی کار آمد. قیام دانشجویان و دانشآموزان در ۱۳ آبان ۵۷ یکی از عوامل سقوط کابینه از هاری شد و بار دیگر دانشگاه به خون کشیده شد. مردم ما به یاد دارند شبی را که تلویزیون صحنه‌ای از جنایات رژیم شاه را به نمایش گذاشت. آنها هرگز آن صحنه‌ها را فراموش نمی‌کنند. آنها دیدند که چگونه سربازان به فرمان فرماندهان مزدور خود سینه‌های دانشجویان را نشانه گرفتند. دانشجویان در آن روز با فریاد "مرگ بر شاه" به خون غلطیدند و در آن روز دانشگاه شهدای زیادی به جا گذاشت. با یورش ارتش به دانشگاه‌ها خشم و نفرت عمیق توده‌ها نسبت به رژیم هرچه بیشتر دامن زده شد و توده‌ها در کنار نیروهای انقلابی خلق، جوانان دانشجو و نوجوانان دانشآموز خود، شاه را ساقط کردند، پادگان‌ها را به تصرف درآوردند.

توده‌ها در آن روز هرگز تصور نمی‌کردند که بعد از سقوط شاه بار دیگر شاهد چنان صحنه‌هایی از کشتار جوانان خود باشند. آنها می‌دانستند که اگر قدرت حکومتی را به دست توانای خود بگیرند دیگر هرگز هیچ قدرتی نخواهد توانست دانشگاه

را به خون کشد. اما امروز زحمتکشان ما می‌بندند که چنین نشد، آنها در اول و دوم اردیبهشت ۵۹ یعنی یکسال و چندماه بعد از پیروزیشان در سرنگون کردن شاه، بار دیگر در نهایت ناپاوری و تعجب شاهد صحنه‌هایی از کشتار و وحشی‌گری شدند که در تاریخ یورش سرکوبگرانه به دانشگاه‌ها کم سابقه است.

حزب جمهوری اسلامی با برنامه قبلی "انقلاب فرهنگی" را توسط عده قلیلی از دانشجویان در دانشگاه‌ها علم کرد و تحت این عنوان خواست که دانشگاه‌ها را از وجود نیروهای کمونست، ترقیخواه و انقلابی پاک کند. شورای انقلاب و بنی صدر نیز بسته شدن دفاتر سیاسی دانشجویان را عنوان کردند و در جهت عملی کردن برنامه‌های خود برآمدند. دانشجویان انقلابی دریافتند که برنامه‌هایی در کار است تا سمت مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها را به انحزاف کنند. با تعطیلی دانشگاه‌ها از تشکل سیاسی دانشجویان پیوند جنبش دانشجویی با جنبش ضد امپریالیستی توده‌ها جلوگیری کنند. این را تجربه سالیان دراز مبارزه و مقاومت دانشجویان در سالهای قبل به آنها می‌گفت. دانشجویان انقلابی با تکیه بر تجارب خونبار خود در این زمینه و برای حفظ یکی از دستاوردهای قیام خونین خلق به مقاومتی دلآورانه در مقابل این یورش دست زدند. طراحان یورش به دانشگاه‌ها به قصد درهم شکستن مقاومت دانشجویان انقلابی دستور کشتار، دستگیری و اعدام دانشجویان را صادر کردند و به این ترتیب دانشگاه‌ها یکسال بعد از پیروزی خلق در سرنگونی شاه به خون کشیده شد و شهدای زیادی به جا گذاشت. در یورش وحشیانه باندهای سیاه و سپاه پاسداران به دانشگاه‌های سراسر ایران، دهها نفر از دانشجویان انقلابی شهید، صدها نفر زخمی و صدها نفر دستگیر شدند و اخیراً دو تن از انقلابیون اهواز در رابطه با حوادث خونین دانشگاه‌ها به دستور جنتی امام جمعه

اهواز و غرضی استاندار البته با تأکید حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب تیرباران شدند. توده‌ها انزجار خود را از چنین سیاست وحشیانه‌ای به شکل‌های مختلف نشان دادند. آنها از رادیو و تلویزیون خواستند که صحنه‌های درگیری دانشگاه‌ها را به مردم نشان دهند ولی تلویزیون عوامفریبانه دروغ شرم آوری را تحویل مردم داد مبنی بر اینکه هوا ابری بوده و نتوانسته‌اند فیلم تهیه کنند درحالیکه طبق اعلامیه‌ای که کارکنان انقلابی رادیو - تلویزیون داده‌اند، همان موقع هلی‌کوپترها از صحنه‌های خونین نبرد دانشگاهی فیلم برداشته و اینک در آرشیو رادیو - تلویزیون موجود است. آنها از اینکه توده‌ها با دیدن صحنه‌های وحشی‌گری باندهای شیاه و پاسداران به خشم آیند و صحنه حمله ارتش به دانشگاه‌ها در ۱۳ آبان ۵۷ بزیایشان تداعی شود، این دروغ بهیترانه را تحویل مردم دادند اما مردم ما بسیار از این سیاست‌ها را آزموده‌اند.

ما ایمان داریم خشم فروخورده توده‌ها از جنایات بیشماری که بعد از قیام تاکنون از جانب حزب جمهوری اسلامی، شورای انقلاب و باندهای سیاه وابسته به آن صورت گرفته، دیری نخواهد کشید که تبدیل به انفجاری عظیم خواهد شد و زحمتکشان ما برای پیروزی دنیای آزاد و پرسعدت آینده خود بیخاسته خواهند خاست.

زحمتکشان ما همچنانکه در سالهای پیش دانشجویان را درکنار مبارزات خود دیده‌اند، از این پس نیز همراه آنان به مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خود ادامه خواهند داد!

و دانشجویان انقلابی همچنان دوشادوش و پیشاپیش توده‌ها برای برپاداشتن دنیای نوین آینده گام برخواهند داشت!

بقیه از صفحه ۶

سازمان نظامی، دولت مصدق و ...

نمود. تحلیل اکثریت اعضای حزب و سازمان نظامی که از نزدیک ناظر بر اوضاع روز ۲۸ مرداد بودند این است که کمیته ایالتی تهران به تنهایی و بدون استفاده از سلاح گرم قادر بود کودتا را در نطفه خفه کند و سازمان نظامی به عنوان نیروی ذخیره مورد استفاده قرار گیرد. یعنی چنانچه به فرض محال، تشکیلات تهران از عهده کودتاچیان برنی‌آمد، ضربه نهایی توسط واحدها و افراد سازمان نظامی وارد می‌شد.

گذشته از همه اینها باید قبول کرد که هر سازمان سیاسی، در لحظات مشخص تاریخی، وظیفه معینی به عهده دارد. حزب توده که تا قبل از کودتا، در روزنامه‌های خود با کوس و کرنا، شعار "کودتا را به ضدکودتا تبدیل خواهیم کرد" میداد و مردم را به عوض تجهیز به قدرت خود امیدوار می‌ساخت، در اثر بی‌عملی بکلی اعتبار خود را از دست داد. در صورتی که وظیفه تاریخی‌اش حکم می‌کرد که حتی در صورت احتمال عدم موفقیت وارد عمل می‌شد. در آن صورت می‌توانست اعتماد توده‌ها را به خود جلب کند و در اوضاع و احوال کنونی از پشتوانه انقلابی گذشته‌اش بهره‌برداری نماید. خنثی ماندن حزب و در نتیجه شکست سیاسی ۲۸ مرداد نه تنها بدنه حزب را از ضربه مصون نداشت بلکه سازمان‌های حزبی و از جمله سازمان نظامی را زیر ضربه مستقیم قرار داد و همگی شناخته و دستگیر شدند بخصوص با لو رفتن سازمان نظامی، حزب

توده پوشش خود را از دست داد و زیر ضربات سنگین فرمانداری نظامی سرتیپ بختیار و اربابان امریکائی‌اش قرار گرفت و تا آخرین واحد آن لو رفت. مزید بر این ضربات فیزیکی، باید ضایعه جبران ناپذیری را که از نظر معنوی به حزب توده و افراد آن وارد شد ذکر کرد و آن دستور غلط و شرم‌آور کمیته مرکزی به افراد زندانی بود که توصیه می‌کرد برای نجات خود نسبت به حزب اظهار تنفر کنند و از مقامات حاکم درخواست بخشش نمایند.

۶- آقای کیانوری! صرفنظر از همه این مسائل مشکل خود را در یک کلمه خلاصه می‌کنم:

آیا حزب توده ایران یک حزب مستقل سیاسی طبقه کارگر است یا نه زائیده بورژوازیست؟ بطوریکه ادعا می‌کنید، حزب توده ایران، حزب مستقل طبقه کارگر است. خب، بنا به اظهارات کمیته مرکزی از انتشار جزوه "درباره ۲۸ مرداد" تا به امروز کوشش شما بر این بوده که می‌خواهید ثابت کنید بدون موافقت مصدق دست به هیچ اقدامی نمی‌خواستید بزنید. یعنی مثل یک محصل با تربیت و مطیع که برای هر امر واجبی انگشت بلند می‌کرده و از معلم اجازه می‌گرفته‌اید و بنا به گفته خودتان در تمام موارد، این معلم یکدنده به درخواست شما جواب منفی میداده است. پس ادعای شما درباره استقلال سیاسی بیپوده است و حزب توده را بصورت دنباله‌رو بورژوازی درآورده بودید.

سخن کوتاه. درد ما مبارزان نسل قدیم تنها اشتباهات گذشته رهبری حزب توده نیست بلکه درد تازه امثال ما این است که دستگاه رهبری حزب توده باز هم کوشش می‌کند برای حفظ و بقای خود حقایق را تحریف کرده و نسل جوان را از آموزش‌های تاریخی لازم محروم سازد. دستگاه رهبری کنونی "حزب" نیز مانند گذشته تنها همه توان خود را صرف تأمین دنباله روی جنبش کمونیستی و کارگری ایران از نیروهای غیر پرولتری می‌نماید و به این ترتیب در راه شکل‌گیری آن نیروی توانمندی که می‌باید پرچمدار پیروزی مردم و ایجاد ایران آزاد و دمکراتیک باشد، مشکلات و موانع به وجود می‌آورد.

با احترام مجدد به هیئت تحریریه نشریه "کار"

(*) - سازمان ما اعتقاد دارد که رهبران "حزب توده" بخصوص در سالهای گذشته در باره قدرت تشکیلاتی و رزمی "حزب" و سازمان افسران همیت تصویرهای مبالغه آمیز و غیرواقعی را تبلیغ می‌کردند بطوریکه در اذهان توده مردم تصویر مبالغه آمیز و غیر واقعی از توان "حزب توده" به وجود آمده بود. البته این نافی نظریات نویسنه در مورد تحقیر سازمان نظامی توسط رهبری کنونی "حزب توده" نیست. آنچه که قابل تأکید است این است که هواداران ما نیز باید از این تجربه درسهای لازم را بیاموزند و از ارائه تصاویر نادرست و مبالغه آمیز از سازمان پرهیز نمایند.

فتودالها بکمک مسئولین دولتی

برای پس گرفتن زمینها می خواهند منطقه فارس را به خون بکشند

انقلابی در ابتدا برای خدمت به مردم وارد سپاه پاسداران، کمیته‌ها و دیگر نهادها و ارگان‌ها شده بودند ولی سیاست رهبران سپاه که از فتودال‌ها و زمین‌داران و سرمایه‌داران حمایت کرده و می‌کنند و با دستور به خون کشیدن تظاهرات کارگران بیکار و دهقانان را می‌دهند نمی‌تواند چنین جوانان پرشور و انقلابی را تحمل نماید چرا که اینان مانع مقاصد جنگ‌افروزانه و ظالمانه فرماندهان سپاه می‌شوند. بنا براین با آنها را تصفیه کرده و خواهند کرد و یا خود آنان از سپاه کناره‌جوئی می‌کنند. اگر امروز این پاسداران انقلابی به این حقایق پی می‌برند، در آینده‌ای نه چندان دور تمام مردم ما به ماهیت جنگ‌افروزانه کسانی که می‌خواهند پاسداران را به عوامل سرکوب مردم تبدیل کنند و تاکنون نیز در خیلی از جنبه‌ها موفق بوده‌اند ایی خواهند برد.

فاجعه دردناک سروستان که با توطئه مشترک فتودال‌ها و دیگر عناصر مرتجع منطقه به وقوع پیوسته و در نتیجه آن دو برابر مسلمان و مبارز به نام‌های احمدعلی و حسین عسگری بد نام توطئه ارتجاعی مزبور گفتار و سپس در دادگاه انقلاب محکوم به اعدام گردیدند و برادر بزرگتر ایشان به نام غلامعلی عسگری به حبس طویل‌المدت محکوم شد... مجرم و محرک اصلی فاجعه شیخ عبدالنسی انصاری روحانی نمای سروستانی حتی مورد سؤال قرار نمی‌گیرد و بلافاصله ارتقاء مقام نیز پیدا می‌کند در پایان می‌گویند: ما از این انحصارطلبی‌ها و تصفیه عناصر دلسوز و آگاه در دستگاه‌ها و ارگان‌های حساس انقلابی به امام امت هشدار می‌دهیم. ما بیم آن داریم که به زودی منطقه فارس را به آتش و خون بکشند و ترکمن صحراها و نرده‌های دیگری بیافرینند. ما بارها گفته‌ایم که عده زیادی از جوانان پرشور و

دست است، توسط ما (پاسداران) دستگیر می‌شوند اما یکی دو روز بیشتر نمی‌گذرد که آقایان این توطئه‌گران را آزاد می‌کنند. پاسداران مستعفی در استعفانامه خود ادامه می‌دهند: آقایان (مسئولین منطقه) تمام نیرو و انرژی خویش را صرف تفرقه‌اندازی و... و توطئه در مدارس و دبیرستان‌ها می‌کنند. اینها همه در زمانی صورت می‌پذیرد که عاملین کشتار خونین روز یکشنبه سپاه شیراز (پیش از قیام) روز حمله به شهربانی که حدود شصت تن شهید و پانصد تن مجروح شدند. پس از بازجوئی مختصری آزادانه به توطئه و تحریک مشغول می‌شوند و عناصر و فعالین ساواک منحل از قبیل تاک (رهبر عملیات ضدجاسوسی ساواک) نیکخو، (رهبر عملیات) فقانیان، (رهبر عملیات) هوشنگ سلیمی، (رهبر عملیات) معاون ساواک آباده) به سرعت یکی پس از دیگری آزاد می‌گردند هم چنین می‌نویسند: در

حوادث باامیر ممسنی همه خوانین جانی و غارتگر دست بدست هم می‌دهند و با صدها نفر مزدور مسلح، عشایر محروم مسلمان را که برای دفاع از حقوق از دست رفته سالیانشان بپا خاسته بودند به محاصره می‌کشند. در این میان سپاه و نماینده امام برای پایان بخشیدن به ماجرا وارد عمل می‌شوند اما به جای پشتیبانی قاطعانه از عشایر محروم و احقاق حقوق پایمال شده آنان با خوانین وارد مذاکره می‌شوند و کار را به جایی می‌رسانند که قرار می‌شود پاسداران به جای جیره‌خواران و مزدوران مسلح خوانین در سنگرها و رو در روی عشایر وارد عمل گردند. پاسداران مستعفی تاکید کردند که اگر هوشیاری ما نبود می‌رفت تا نرده و یا ترکمن صحرای دیگری در منطقه برپا گردد. در همین جریان سهراب خان ضرغامی کشکولی و محمدحسین دره شوری این عاملین سرسپرده رژیم سابق که مدارک همکاری آنان با ساواک منحل نیز در

پاسداران مستعفی از سپاه پاسداران استان فارس، در ابتدای استعفا نامه خود که به مقامات مسئول مملکتی ارسال داشته‌اند، انگیزه‌های ورود خود را به سپاه پاسداران خدمت به زحمتکشان و محرومان جامعه و مبارزه علیه ستمگران و جباران خوانده‌اند. آنها تاکید کرده‌اند که این امر تحقق نیافت و سپاه پاسداران در بیشتر موارد به حمایت از ظالمان برخاسته است تا جایی که فرمانده سپاه در نماز جمعه در حضور هزاران مسلمان از خوانین ظالم و توطئه‌گر منطقه حمایت می‌کند و این عمل دقیقاً در زمانی صورت می‌پذیرد که کشاورزان و عشایر ستمدیده ما که یک عمر هستی‌شان به وسیله همین خوانین سرسپرده به تاراج رفته است بر اثر فشار و تهدید آنان در استانداری فارس و شورای انقلاب در تهران به تظلم و دادخواهی نشسته‌اند. آنها در استعفانامه خود ادامه می‌دهند: در جریان

در قریه جیحون آباد از روستاهای صحنه کرمانشاه

دوتن از کسانی که علیه فتودال منطقه مبارزه کرده‌اند پی در پی به قتل رسیده‌اند

نمی‌خواهند که به این آدم‌کشی و جنایت علنی رسیدگی کنند. فتودال‌منفور منطقه مذبحخانه تلاش می‌کند که از طریق به قتل رسانیدن روستائیان، روحیه مبارزاتی آنها را تضعیف کند و مانع مصادره انقلابی زمینها توسط آنها شود. لیکن او و تمام فتودال‌ها و سرمایه‌داران کور خوانده‌اند. اینبار دیگر کارگران و دهقانان برای تصفیه حساب نهایی به پا خاسته‌اند و تا حق خود را نگیرند از پای نمی‌نشینند.

اعمال وحشیانه بازبگذارند به‌خای آنکه سرخ‌اصلی را بگیرند روستائیان زحمتکش دیگر و یا عده‌ای از قوم و خویش‌های کشته شدگان را بازداشت می‌کنند در این شکی نیست که اینگونه جنایت تنها از فتودال‌ها و سرمایه‌داران یعنی دشمنان مردم ساخته‌است. اما دادگاه‌ها همانطور که تاکنون در کردستان، گنبد و... نشان داده‌اند، حامی منافع آنها هستند و

به‌هنگام شکار در کوه، با گلوله کشته شد. نحوه انجام این جنایت‌ها و نیز کسانی که به قتل رسیده‌اند به وضوح نشان می‌دهد که فتودال منطقه و عوامل مزدور او مستقیماً در کشتار زحمتکشان روستادست دارند. در این میان دولت و دادگاه‌های آن نیز پس از هر جنایتی که در روستا اتفاق افتاده، به منظور فریب مردم و برای آنکه دست فتودال‌ها را هرچه بیشتر در اینگونه

معلمین قریه "جیحون آباد" به نام "بیگلری" که به همراه زحمتکشان روستا در امر مصادره انقلابی زمینها شرکت کرده بود و همواره در جهت بالا بردن آگاهی و متشکل نمودن روستائیان فداکاری بسیار از خود نشان می‌داد شبانه در منزل مسکونی‌اش به ضرب گلوله به قتل رسید. در تاریخ ۲۰ فروردین ۵۹ نیز یکی از اهالی روستا به نام "ابرج سریری" که او هم برضد فتودال منطقه مبارزه کرده بود

قریه جیحون آباد در ۵۵ کیلومتری کرمانشاه قرار دارد. اکثر زمین‌های این منطقه یعنی سه قریه "جیحون آباد"، "کاکاوند" و "احمدآباد" متعلق به حقراد ایمانی فتودال بزرگ منطقه است. کشاورزان که اکثراً فاقد زمین هستند پس از قیام زمین‌های فتودال را مصادره کردند. اکنون مدتی است که باقتل پی در پی کسانی که در مصادره زمین‌ها شرکت داشتند، روبرو هستند. حدود سه ماه قبل یکی از

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

۱۸ اردیبهشت
سندج

مردم کردستان صلح و آزادی ... بقیماز صفحه ۲



رحمتکش کرد، پس از چیدن بمبهای سرکوب سهم و شکنجه، امروز می خواهد زمین را در صلح و آزادی نگارد.
او هرگز خواستار جنگ و آدم کشی نیست
او برای دفاع از صلح عادلانه و سرباز انقلاب حوسین خلق شکت بردوش گرفته است

جنگ با شدت هرچه تمام تر در سندج ادامه دارد. ارتش شهر را بی وقفه زیر آتش خمپاره و توپ و راکت گرفته است. مقاومت پیشمرگان قهرمان چندین بار مانع ورود ارتش و پاسداران به شهر شده است. مساجد، بیمارستان درآمده اند و مردم از نظر دارو و مواد غذایی به شدت در مضیقه اند. جنایات ارتش به اوج خود رسیده است. مردم در زیر زمین ها زندگی می کنند. آب و برق شهر قطع است. اجساد هنوز در خیابانها مانده اند. بنکها (شورا - های محلی) وظیفه امداد و رساندن آذوقه و دارو را به عهده دارند. پزشکان و پرستاران صادقانه و بیگترانه همراه عده ای از داوطلبین شب و روز به مداوای زخمی ها مشغولند اما در اثر نارسائی داروئی و امکانات پزشکی بسیاری از مجروحین بعد از خونریزی های شدید به شهادت می رسند. در سندج هر خانه ای که از آسیب خمپاره ها مصون مانده باشد بیمارستانی است. مدرسه ها نیز پر از مجروحین جنگ تمیمی کردستانند. امداد - گران پرشور با روحیه ای سرشار از ایمان بی وقفه در جهت آرمان انقلابی خود پیش می روند. آنان سرود خوانان به کار انقلابی خود مشغولند. مجروحین را صمیمانه می پذیرند و از هیچ تلاشی برای زنده نگاه داشتن هم می پناشان فرو گذار نمی کنند. همبستگی مردم کردستان شکوه و عظمت وحدت تاریخی زحمتکشان را به نمایش گذاشته است.

۱۹ اردیبهشت
سندج

امروز نیز مانند روزهای قبل ارتش همچنان از تپه های اطراف، شهر را زیر آتش خمپاره، راکت و توپ گرفته است. ارتش عمدتاً از سلاحهای سنگین استفاده می کند. حاصل شلیکهای بی امان هوائی و زمینی ارتش در سندج ویرانی شهر و تلی از اجساد زحمتکشان است که خیابانها و کوچه ها را پر کرده است. در پیاده روی های شهر جوی خون راه افتاده است. فرصتی برای دفن اجساد نیست. بی غذایی، بی داروئی کمبود پزشکی و پرستار، بی مسکنی و نداشتن سوخت، فشار فزاینده ای به روی زحمتکشان سندج می آورد اما مردم قهرمان سندج به مقاومت خود علیه تجاوزات و جنایات ارتش ادامه می دهند. در طی چند روز گذشته ارتش از خمپاره های آتش را استفاده نموده که علاوه بر به آتش کشیدن منازل مسکونی، عده ای را به ذغال تبدیل کرده است. علاوه بر این سلاحهای دور بین دالر دارکن نیز به کار می رود. دو روز قبل یک ستون نظامی که از همدان می آمد سندج بود در دهگلان به دو بخش تقسیم گردید. یک بخش آن در رسول آباد - استقرار پیدا کرد. این واحد که به وسیله ۴ فروند تانک چیتن

اسکورت می شد، در درگیری با پیشمرگان کرد چند خودرو و عده ای از افراد خود را از دست داد و متحمل تلفات سنگین شد. بخش دیگر این ستون که در "مارنج و مشورز" مستقر شده بود از رفتن به سندج و کشتار خلق کرد امتناع ورزید. پاسداران در سندج که قصد داشتند از طریق تپه "طوس نوذر" به شهر هجوم آورند، با مقابله پیشمرگان روبرو شده و بعد از تحمل تلفاتی عقب نشینی کردند. پیروزی ارتش و پاسداران در شهر به دلیل مقاومت پیشمرگان به سختی صورت می گیرد. آنها از تپه های اطراف شهر و مردم را زیر آتش می گیرند. در بیمارستان سندج یک دختر جوان که یک پای خود را در اثر اصابت خمپاره از دست داده است در حالیکه سرود شوق را با تمام وجود فریاد می زند و با صدای رسا و سرشار از امید به پیروزی می خواند: "کردستان مجبور است با هدیه من به تو در راه آزادی پای من است! این هدیه مرا بپذیر!" چنین روحیه ای سرشار از استقامت و پایداری را با چه تلاشی می توان در هم شکست؟ استاده و باقائمی افزاشته شهید شدن، سرود خوانان در مقابل رگولمه های

مزدوران سینه سپر کردن رسم توده هاست و سراسیمه به هر سو دویدن برای شکار انسان و به هر سباهی شلیک کردن نیز عادت مرسوم سرکوبگران و جنگ افروزان، این محکومین تاریخ است.
سقر: مردم دلیر سقر و پیشمرگان قهرمانش زیر آتش خمپاره های ارتش به پایداری و مقاومت خود ادامه می دهند. در شلیک خمپاره های آتش زای ارتش عده ای از جمله یک پیر مرد به شهادت رسیدند. درگیری های امروزینجر به ویرانی تعدادی خانه و مجروح شدن عده ای از مردم مبارز سقر شد. در جاده سقر - بانه طی درگیری هایی که بین پیشمرگان کرد و ارتش رخ داد، تلفات سنگینی به این واحد ارتشی وارد آمد. در حالیکه کردستان همچنان در محاصره اقتصادی شدید است. سرمیرد، هواپیماهای بلیری سی ۱۲۰ مقدار زیادی آذوقه و مهمات به داخل پادگان سقر می ریزند. مزدوران ارتش که هر کدام علاوه بر حقوق ماهانه مبلغی به عنوان پاداش و تشویق دریافت می کنند، در غارت حاصل رنج کارگران، دهقانان و زحمتکشان ما با سرمایه داران و مالکان سهم می شوند. دولت غذا، دارو

نموده اند. در اثر این بمبارانهای وحشیانه ارتباط بخشهای نوسود و نودشه و دیگر روستاهای این منطقه که از چندماه پیش در محاصره اقتصادی بوده اند، به کلی قطع شده است. رشد جنبش مقاومت خلق کرد، فرماندهان ارتش را آنچنان دچار وحشت و هراس کرده است که دیوانه وار و لجام گسیخت تنها فرمانی که صادر می کنند، گفتار زحمتکشان مبارز کرد است.
سردشت سردشت نیز مانند سایر شهرهای کردستان زیر بمباران های هوائی ارتش به ویرانی کشیده می شود. اینجا همه چیز نشان از پایداری قهرمانانه مردم دارد.
ارومیه "ملاحظی - عده ای از اوباشان جیره خوار خود را جهت تفتیش خانگی روستاها، به دهات اطراف ارومیه گسیل داشته است. در درگیری های پراکنده ای که بین سپاه پاسداران با مردم روستاهای ارومیه روی داده است، تلفاتی به پاسداران وارد آمده و عده ای از زحمتکشان روستاها زخمی شده اند.
در جاده های اطراف بقیماز صفحه ۱۲

بانه

تپه آربابا " در آغاز درگیری ها در بانه توسط پیشمرگان کرد تسخیر شد و از آن به بعد ارتش تلاش بسیار کرد تا تپه را از دست پیشمرگان در آورد چرا که از نظر نظامی این تپه بسیار حائز اهمیت است و ارتش که تاکنون نتوانسته است در اثر مقاومت و مقابله پیشمرگان و خلق رزمنده کرد، در شهرها پیروزی کند، برای استقرار نیروهای خود و بمباران شهرها احتیاج دارد که تپه های اطراف شهر را تسخیر نماید به این جهت برای چندمین بار به تپه "آربابا" در بانه حمله کرده و هر بار با به جا گذاشتن تلفات سنگینی ناچار به عقب نشینی شده است. در این روز نیز ارتش بار دیگر به تپه "آربابا" حمله کرد که با برجای گذاشتن چندین کشته و زخمی ناچار به عقب نشینی به پادگان شد و دو ارتشی مزدور نیز به اسارت پیشمرگان درآمدند.

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

مردم مهاباد در سخت ترین شرایط اول ماه مه را جشن گرفتند



مهاباد
کارگران و زحمتکشان مهاباد با راهپیمایی و میتینگ با شکوهی عید بزرگ کارگران را جشن گرفتند. پیشاپیش صف کارگران و زحمتکشان که هریک ابزار کار خود را در دست داشتند کار خود را در دست داشتند. هر سال ماه مه در رابطه با راهپیمایان یکپارچه فریاد می‌زدند:

کارگران جهان متحد شوید
و به این ترتیب همبستگی مبارزاتی خود را با طبقه کارگر سراسر ایران و جهان اعلام می‌کردند.

جمعیت انبوهی از قبل در محل برگزاری میتینگ گرد آمده بود و همین که صدای شعارهای راهپیمایان به گوش رسید، یکپارچه جمعیت حاضر در محل به خروش درآمد:

"فریاد هر کارگر،
فریاد هر بزرگوار،
کار، مسکن، آزادی"
سر و صدای سه‌چرخه‌های موتور کارگران و زحمتکشان به مراسم شکوه و عظمتی خاص بخشیده بود.

جمعیت یکپارچه فریاد می‌زد:

فریاد علیه کشتار وحشیانه کارگران و زحمتکشان کرد،

به دنبال حمله هوایی فانتوم‌ها و هلی‌کوپترهای ارتش به روستاهای اطراف سردشت عده‌ای از مردم شهر را ترک کردند. هلی‌کوپترهای ارتش به یک آمبولانس که حامل عده‌ای زخمی بود، حمله کردند و این عمل مورد انسانی و وحشیانه آنان مورد اعتراض شدید کارکنان بیمارستان سردشت قرار گرفت و آنان طی اعلامیه‌ای نفرت خود را از این عمل ضد انسانی ابراز داشتند.

مزدوران ارتش طی جنگ تحمیلی جدید به کردستان وحشیانه‌ترین جنایات را در حق گروه‌های پزشکی و امداد و کارکنان بیمارستانها مرتکب شده‌اند لیکن پزشکان، پرستاران و کارکنان بیمارستانها با ایمان و صداقت بی نظیری به وظایف خطیر خود عمل می‌کنند.

مردم کردستان صلح و ...

بقیة از صفحه ۱۲

کردستان، پاسداران سافرن اتوبوسها را بازرسی بدنی و وسایل نقلیه را تفتیش می‌کنند. آنها از ورود هرگونه مواد غذایی و دارویی و همچنین ورود کادر پزشکی به شهرهای کردنشین جلوگیری به عمل می‌آورند.

۲. اردیبهشت عجب سیر

در چندروز اخیر مردم عجب سیر شاهد فرار دسته جمعی سربازانی بودند که تن به فرمان فرماندهان مزدور برای کشتار خلق کرده‌اند و نخواستند که دست به خون هم میپاشان کرد خود بمالیند در شاهرود و تبریز نیز نمونه‌هایی از فرار دسته جمعی سربازان دیده شده است.

سردشت

در شاهرود بیش از ۲۰۰ نفر از سربازان به عنوان اعتراض به سرکوب خلق قهرمان کرد پادگان را ترک کرده‌اند. سربازانی که در مقابل فرماندهان مزدور سر خم نمی‌کنند بار دیگر ثابت می‌نمایند که فرزندان خلقی ستم‌دیده و رزمندگان که با سلاحهای خود تنها سینه مزدوران را نشانه خواهند گرفت. سربازان درجه‌داران و افسران جزء انقلابی دسته از خدمت در ارتش سر باز می‌زنند و به توده‌های زحمتکش کرد و سازمان‌های سیاسی آنان می‌پیوندند. آنها نمی‌خواهند وسیله‌ای برای سرکوب مبارزات عادلانه خلق کرد باشند. پرسنل انقلابی و مبارز به خوبی می‌دانند که فرماندهان مزدور ارتش برای دفاع از منافع اربابان خود یعنی امپریالیسم امریکا دست به جنگ‌افروزی زده و می‌خواهند با سرازیر کردن سیل سلاحهای آمریکایی به ایران پهپانه سرکوب "ضدانقلاب" کشور را در جهت وابستگی به امپریالیسم هرچه بیشتر پیش ببرند و از طرف دیگر با سرکوب خلق رزمنده کرد و نیروهای مترقی و انقلابی مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها را به شکست بکشاند. پرسنل انقلابی ارتش با آگاهی به چنین هدف شومی، در آگاهی دادن به سربازان و درجه‌داران لحظه‌ای درنگ نمی‌کنند و تاکنون موفق گشته‌اند دستجات وسیعی از نظامیان را از سیاست جنگ طلبانه امپریالیسم و فرماندهان دست‌پزوده آن آگاه کنند.

بناب

بار دیگر عده‌ای از روستائیان زحمتکش کرد که برای کار در کوره‌پزخانه از بناب عازم تبریز بودند توسط پاسداران به گروگان گرفته می‌شوند. پاسداران آنها را به پاسدارخانه برده و در حیاط پاسدارخانه به زبانشان آب می‌کنند و خیس آنها را شلاق می‌زنند. نصف شب چشمان آنها را بسته و می‌گویند شما به اعدام محکوم شده‌اید. با چشمان بسته آنها را به خارج شهر برده و در آنجا تیراندازی هوایی می‌کنند. پاسداران با این عمل وحشیانه خود قصد داشتند ببینند کدامیک از این روستائیان سرود خواهند خواند یا شعار خواهند داد تا بدین وسیله انقلابیون را از بین آنها شناسایی کنند.

سقز:

شهر خالی از سکنه است اما ارتش همچنان شهر خالی را از بین آنها شناسایی کنند.

شور مبارزه برای آینده‌ای تابناک که در آن نشانی از فقر و گرسنگی و ستم نیست.

گرومانشا

میتینگ کارگران پیشرو که به مناسبت روز همبستگی کارگران جهان، اول ماه مه برگزار شده بود، یکبار دیگر وحشت و هراس صاحبان قدرت و مکتت را برانگیخت

رسیدند و بیش از ۸۰ تن زخمی شدند.

نقد

تهاجم چماق بدستان و باندهای سپاه طبقه سرمایه‌دار، در این شهر نیز مانع برگزاری جشن لول ماه می‌شد.

جوانان پیشگام بوکان

برای یاری به مردم سقز اردوگاههای صحرائی ساختند

مردم سقز برای در امان ماندن از آتش خمپاره و بمب و توپ و راکت، خانه و کاشانه خود را رها می‌کنند و به شهرها و دهات اطراف می‌روند.

تصحیح خبر در "کار" ویژه کردستان شماره ۳

در "کار" ویژه کردستان شماره ۳ صفحه اول ستون دوم - پاراگراف دوم، نوشته بودیم: "سازمان ما متعاقب اعلام آتش بس... خبر به این صورت تصحیح می‌شود: سازمان ما قبل از اعلام آتش بس از طرف هیئت نمایندگی، اطلاعیه‌ای درباره برقراری آتش بس در تاریخ ۵۹/۲/۱۵ داد که متن کامل اطلاعیه در "کار" ویژه کردستان شماره ۳ آمده است.

میهنمان هم‌رزم خود استقبال نمود اما به دلیل محاصره اقتصادی شدید، تأمین غذا، دارو و سوخت برای ۳۰ هزار مهاجر با مشکلات فراوانی مواجه شد. انبوه جمعیتی که از جنبانکاران ارتشی نفرتی عمیق به دل گرفته‌اند، در سرتاسر شهر بوکان جلسات بحث و گفتگو و مشاوره به راه انداخته‌اند. آنها از تجاوزات و جنایات ارتش و پاسداران به همدیگر می‌گویند سیاست جنگ‌افروزان را محکوم می‌کنند و از صلحی عادلانه دفاع می‌نمایند. از طرف دیگر کمبود ارزاق عمومی دارو، سوخت و مسکن آنها را به فکر چاره انداخته است. در این میان جوانان پیشگام بوکان با هوشیاری انقلابی خود به موقع وارد عمل می‌شوند و طرح برپایی

با گسترش جنگ تحمیلی مجدد در کردستان، عده‌ای از اهالی شهر سقز برای در امان ماندن از آتش خمپاره و توپ و راکت ارتش، خانه و کاشانه خود را رها کرده و به بوکان مهاجرت کردند. آنان نه تنها برخلاف تبلیغات رادیو - تلویزیونی از ارتش با آغوش باز استقبال ننمودند بلکه با ورود ارتش و پاسداران به شهرشان، امنیت خود را در خطر دیدند و با تخلیه شهر اعتراض خود را نسبت به ورود ارتش نشان دادند. با روی آوردن سیل مردم به بوکان، تراکم جمعیت این شهر فزونی گرفت. مردم بوکان تأمین مسکن و غذای مهاجرین را به عهده گرفتند هر خانواده بوکانی چند نفر از مهاجرین را در خانه‌اش جا داد و به گرمی از

مادر نخستین روزهای پس از قیام ضرورت تغییرات پولی و جمع آوری اسکناسهای درشت را اعلام کرده بودیم!

پانزده ماه تأخیر در تغییر سیاست پولی دولت

میلیون ها تومان به مردم سپهن ماضی رساند

در دو هفته گذشته ، بالاخره پس از پانزده ماه تأخیر و تعلل دولت اعلام کرد که اسکناسهای هزار تومانی را تا آخر ماه جاری از دور خارج خواهد کرد. ما در همان نخستین هفته های بعد از قیام ضرورت اتخاذ چنین سیاست پولی را اعلام کرده بودیم و در نتیجه تعلل شورای انقلاب و

دولتها، طی ۱۵ ماهی که از قیام می گذرد، برخی از سرمایه داران و جنایتکاران فرزاری که نتوانسته بودند همه ثروت خود را به پولهای خارجی تبدیل کنند باقیمانده آن را به صورت اسکناسهای هزارتومانی و پانصدتومانی به خارج بردند. قاچاق پول ایرانی در

ماه های بهمن و اسفند ۱۳۵۷ به حدی بود که اسکناسهای درشت کمیاب شده بود. این اسکناسها را غارتگران فراری در خارج به قاچاقچیان ارز می فروشد و آنان نیز اسکناسها را به ایران بزمی گردانند. سود قاچاقچیان ارز در این است که اسکناسهای ایرانی را به قیمتی بسیار ارزان

داخل کشور باشند و از ریهایی که توسط کارگزاران آنان به دستشان می رسد، استفاده کنند. بدین ترتیب نقل و انتقال ارز قاچاق خود تجارتي پرسود می شود. در بسیاری از موارد دو سر جریان قاچاق ارز به یک جا ختم نمی شود. تاجر صادرکننده یا وارد کننده که می تواند با سوء استفاده از موقعیت خود مقداری ارز خارجی را به نرخ رسمی در حساب خود در خارج نگهدارد، این ارز را در داخل یا برخی بقیه در صفحه ۲

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به

جبهه خلق برای آزادی ساقی الحمرا و ریودواره پولیساریو

به مناسبت سالگرد تشکیل جبهه پولیساریو

رفقای انقلابی!

شادباشهای رفیقانه ما را به مناسبت این روز تاریخی بپذیرید. مبارزات عادلانه و برحق خلق صحرا برای کسب استقلال و آزادی و رسیدن به جامعه ای مستقل با زیربنای سوسیالیستی، تحت رهبری جبهه پولیساریو تاکنون ضربات بی در پی و شدیدی بر پیکر استعمار فرتوت اسپانیا، امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم های دست نشانده آنها چون رژیم ارتجاعی سلطان حسن وارد کرده، و موجب شور و شغف نیروهای انقلابی سراسر جهان گردیده است. تشکیل جمهوری دمکراتیک عربی صحرا که از طرف بسیاری از جنبشهای آزادیبخش و کشورهای سوسیالیستی و مترقی جهان به رسمیت شناخته شده است، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مردم صحرا جهت رسیدن به اهداف تاریخی خویش است. پیروزی های مستمر انقلابیون صحرا چشم انداز روشن پیروزی نهائی را به خوبی ترسیم نموده است و دیر نیست روزی که خلق صحرا سراسر خاک میهن خود را از لوث وجود نیروهای استعماری امپریالیستی و ارتجاعی پاک نموده و جامعه آزاد و دمکراتیک خود را بنا نهند.

خلق های ستمدیده سراسر جهان و از آنجمله خلق های ایران و صحرا در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و ارتجاع در کنار یکدیگر قرار دارند و مبارزه خود را مشترکاً و با همبستگی عمیق انترناسیونالیستی به پیش می برند و در این راه از حمایت و همبستگی اردوگاه سوسیالیستی و طبقه کارگر جهانی برخوردار می باشند و با نیروی لایزال خرد سرنجام امپریالیسم را به گور خواهند سپرد. خلق های قهرمان ایران همبستگی خود را با مبارزه خلق صحرا علیه دشمن مشترک امپریالیستی همواره اعلام داشته و خود را در پیروزی های شما سهم می دانند. در سالگرد این روز تاریخی یک بار دیگر گرم ترین درودهای خود را به شما اعلام داشته و دست شما را در مبارزه مشترکمان می فشاریم.

پیروز باد مبارزات خلق های صحرا و ایران
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹

در شماره آینده " کار " بررسی مختصری در باره تاریخچه جنبش آزادیبخش خلق صحرا در راه رسیدن به استقلال و آزادی درج خواهد شد.

چرا علیه نیروهای انقلابی بخصوص فدائیان خلق

اخبار جعلی منتشر می کنند

" سخنگوی کمیته مرکزی امروز اعلام کرد: یکی از اعضای شاخه نظامی گروه بختیار همراه با ده عدد بمب دستی، یک عدد نارنجک دست ساز، مقدار زیادی اعلامیه های چریکهای فدائی خلق و اعلامیه های چپی دیگر هنگام کار گذاشتن بمب در یکی از خیابان های تهران توسط گروه ضربت کمیته مرکزی دستگیر شد... "

در پایان این مطلب دوباره چنین نوشته شده است: " وی ادامه داد هنگام دستگیری از شخص نامبرده اعلامیه های چریکهای فدائی و اعلامیه های گروه های چپی و ده بمب دستی و یک... "

امروز هرکس که ذره ای آگاهی سیاسی داشته باشد، بخوبی می داند که اینگونه اکاذیب که بازها در روزنامه ها چاپ شده و رادیو شب و روز امثال آن را به خورد مردم می دهد، تا چه حدی بی پایه و بی اساس است. نه تنها مردم این دروغهای کثیف را باور نمی کنند بلکه قطعاً و همانگونه که تاکنون دیده ایم اشاعه اینگونه اخبار و تلاش برای بی اعتبار ساختن نیروهای انقلابی خلق، که شاه و ساواک او از مبتکران آن بودند، همواره باعث بی اعتمادی و نفرت و بیزاری هرچه بیشتر مردم از منابع و سرچشمه های این جعلیات شده و عملاً وسیله ای برای شناختن ماهیت جاغلین آن بوده است. اما به هر حال این جعلیات می تواند کسانی را که هنوز از حداقل آگاهی های سیاسی برخوردار نیستند، بفریبد و آنان را از شناخت دوست و دشمن برای مدتی باز دارد.

اشاعه و چاپ اینگونه جعلیات هدفهای زیر را دنبال می کند:

۱- پنهان کردن دستهای جنایتکاری که با بمب گذاری در اماکن پرجمعیت، آتش زدن کتابخانه و به خون کشیدن اجتماعات مردم و ایجاد رعب و وحشت، قصد دارند این تصور را در مردم ایجاد کنند که بدون قدرت گرفتن نیروهای امنیتی (ساواک و شبکه های جاسوسی) و فرماندهان نظامی وابسته به امپریالیسم آمریکا، این نابسامانی ها و خرابکاری ها ادامه خواهد یافت و بدین وسیله زمینه را برای تقویت هرچه بیشتر شبکه های امنیتی، تقویت ارتش و حکومت نظامیان فراهم کنند. بدیهی است که مادام که این دستهای جنایتکار ناشناخته بمانند، به راحتی می توانند به هدفهای شوم خود ادامه دهند.

۲- کسب اعتبار برای عناصر سرسپرده ای چون بختیار و غیره از طریق چسباندن آنها به نیروهای انقلابی. این کار روحیه ساواکی ها و عناصر سرسپرده به امپریالیسم را تقویت می کند و آنان را به ادامه اعمال خویش تشویق می نماید.

۳- ایجاد بدبینی و عدم اعتماد در مردم نسبت به آشتی ناپذیرترین دشمنان امپریالیسم آمریکا.

۴- ایجاد زمینه برای تهاجم علیه نیروهای انقلابی و سرکوب آزادی های سیاسی و همه ثمرات انقلاب.

۵- ایجاد تشنت در میان مردم و جلوگیری از آگاهی و اتحاد مردم که امروز برای مقابله با امپریالیسم آمریکا بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد.

روشن است که جعل و اشاعه اینگونه اکاذیب بیش از همه امپریالیسم آمریکا را که دوستان و دشمنان خود را می شناسد، خوشحال و خشنود می کند. بدون شک کسانی که طراح و مجری این برنامه های بی شرمانه هستند، عده ای از سرنو آگاهی و قطعاً برخی با آگاهی کامل در خدمت امپریالیسم آمریکا قرار دارند.